

نقش زنان روستایی در اقتصاد روستا

فصل اول

نقش و حیطه کارزنان در فعالیتهاي غير زراعي

نقش و حیطه کارزنان در فعالیتهای غیر

زراعی:

اقتصاد روستا، فعالیتهایی را در بر می گیرد که هر یک بر حسب گستردگی و وسعتی که دارد در ارتقاء درآمد روستائیان مؤثر می باشد. از این رو بررسی های انجام شده نشان می دهد که هر قدر امکان بهره گیری از منابع درآمد برای روستائیان متنوع تر و فراوانتر باشد سطح درآمد و رفاه آن جامعه بالاتر بوده است برای مثال روستاهای منطقه تالش به لحاظ برخورداری از امکان کشت محصولات متنوع (برنج، مرکبات، تنباکو) از درآمد نسبتاً بهتری برخوردار می باشند. یا مناطق ساحلی به لحاظ همجواری با دریا قادرند از طریق فعالیتهای توریستی یا ماهیگیری درآمد حاصل از کشاورزی خود را تکمیل نمایند. در عین حال عمده ترین فعالیتهای جانبی

روستائیان که معمولاً در کنار زراعت صورت می گیرد به شرح زیر می باشد:

دامداری و پرورش طیور

دامداری و نگهداری از حیوانات بزرگ جثه در منطقه بسیار محدود بوده و تنها گاوداری در قسمت جلگه ای رواج دارد. در مناطق روستایی مورد مطالعه گاوداری عمدتاً به شکل سنتی و در جوار سایر اشتغالات کشاورزی صورت می گیرد. البته با رواج زندگی شهری و خصوصاً گسترش جاده های مواصلاتی که برای گاوهایی که در سطح روستا زندگی می کردند خطرآفرین می باشد. از تعداد گاوهای منطقه کاسته شده است. گاوداری در بین خانواده های نمونه نسبتاً رواج چندانی ندارد و اکثراً تنها به داشتن یک یا دو گاو اکتفا می نمایند که این گاوها تنها قادرند لبنیات خانواده را تأمین نمایند و محصولی برای عرصه

به بازار از آنها بدست مي آيد. در گاوداري به شكل سنتي معمولاً زن و مرد توأمان همكاري دارند ليكن برحسب نوع و وظايف سهم هر يك از آنها متغير مي باشد.

جدول (1-5) سهم زنان و مردان را در گاوداري بشكل سنتي و پرورش ماكيان نشان ميدهد سهم مردان و زنان از پرورش دام «گاو» و طيور

به تفكيك فصول

نيروي كار	فصول	تعليف دام	نگهداري در آغل	دوشيدن شير	علف چيني	پرورش طيور
زن	بهار			100		100
	تابستان			100		100
	پايز		10	100		100

100		100	20		زمستا ن	
	100			100	بهار	
	100			100	تابست ان	
	100		90		پاییز	
	100				زمستا ن	
			80			

هر يك از مراحل دامداري 100% در نظر گرفته شده که بطور نسبي سهم زنان و مردان نسبت به این ارقام محاسبه شده است.

همانطور که از جدول مستفاد می گردد اوج حجم کار مردان عمدتاً در فصول بهار و تابستان که امر علف چینی تعلیف دام می پردازند می باشد و در فصل پاییز که فصل بیکاری زراعی است نگهداری

حیوان در آغل را نیز بر عهده دارند این در حالیست که در فصل زمستان که به آماده کردن زمین زراعی مبادرت می ورزند بخشی از این وظایف را به زنان محول می کنند، لیکن دوشیدن از وظایف مختص زنان است که در چهار فصل برحسب شیردهی جوان قابل انجام است.

از سوی دیگر همانطور که در جدول ملاحظه می گردد، پرورش طیور از وظایف خاص زنان می باشد که عمده‌تاً جهت تأمین تخم مرغ و گوشت سفید خانوار بدان اقدام می ورزند و بعضاً به فروش محصولات حاصل از آن نیز می پردازند. جالب توجه است که اصلی ترین گوشت مصرفی خانوار گوشت سفید بوده و تخم مرغ از اقلام مهم تأمین کننده پروتئین خانواده می باشد.

در سال 1375 تعداد گاو و گاو میش موجود شهرستان 112844 رأس گزارش شده است. آمار

دریافتی کشتار دام، از 30466 رأس گاو و گاو میش
کشتار شده شهرستان در سال 1375 مقدار 3353 تن
گوشت قرمز و 649 تن پوست تولید شده است. مقدار
شیر تولید شده از گاو و گاو میش های موجود
شهرستان این سال برابر 11932/2 تن گزارش شده
است. شهرستان تالش در سال 1375 دارای 467821
رأس گوسفند و بز بوده است که با کشتار 170547
رأس از آن، مقدار 2555 تن گوشت قرمز و 170/8 تن
پوست تولید شده است. (1)

منطقه تالش از دوران های اولیه سکونت اقوام
و متأخرین دارای نظام عشیره ای و پدرسالاری
بوده و به نظر می رسد که دام داری قبل از رواج
کشاورزی با توجه به استعداد های اقلیمی و معیشت
های خدادادی در تالش رواج داشته و مردم ابتدا
دام دار بوده و بعداً به تدریج به کشاورزی روی
آورده اند.

دختران خردسال به جاي حضور در کلاس درس به مراقبت از بزها و گوسفندان هستند اکنون خواندن و نوشتن و بازي کردن محروم هستند فردا محروميتهاي ديگري در انتظار آنهاست. بعلت شرایط توپوگرافي شهرستان تالش و وجود ارتفاعات که پوشيده از مراتع طبيعي مرغوب است بنابراین عده اي به زندگي کوچ نشيني روي آورده اند. و ضعيت اصلي و غالب آنها پرورش دام از نوع گوسفند و بز مي باشد.

زنان در جامعه کوچ نشين علاوه بر ايفاي وظيفه همسر و مادري نقش مهمي را نيز در اقتصاد خانواده دارند گذشته از چارچوب قانوني جايگاه زن در خانواده و جامعه بعلت نقش توليدي زنان در جامعه کوچ نشين که دوشادوش مردان چرخ زندگي را در عرصه خانواده و ميدان اجتماع به حرکت در مي آورند. زن در رتبه باارزشي در ميان خانواده

قرار دارد. وي بعنوان يار و ياور مرد، در امور خانه از پخت و پز تا تهيه پنيز و ماست و کره و صنايع دستي، هيزم شکستن تا رسيدگي به دام ها همچنين امور فرزندان نقش عاطفي ويژه اي را نيز در خانواده ايفا مي کند او به عنوان همسر از ابتدای زندگي با ناملايمات و رنج و مشکلات در کنار شوهر مسير زندگي را با جبر و تلاش مي پيمايد و فرزندان خانواده را تربيت مي کند. زن بعنوان مدير خانه داراي اختياراتي بسيار در حوزه تصميم گيري در مسایل شخصي و خانوادگي است و تا حدي که قوانين اجتماعي، سنتي به وي اجازه اين اختيار را بدهد پيش مي رود. (2)

زنبورداري

شهرستان تالش سابقه ديرينه در پرورش زنبورعسل دارد. اين شهرستان به واسطه برخورداري از آب و هوا و شرايط مناسب و ميزان

بارندگی مطلوب همواره پر از گونه های مختلف گیاهی است که فعالیت زنبورداری را آسان می نماید. بنابراین، استعداد خاص اقلیم جغرافیایی منطقه از نظر پوشش و تنوع گیاهی موجب شده تا تولید عسل در حد مطلوب باشد.

فرهنگ، آداب و رسوم و سنت مردم تالش به گونه ای است که بین فعالیت زن و مرد در امور مختلف کشاورزی تفاوت خاصی وجود ندارد.

زنان روستایی همگام با همسرانشان در تمام طول سال به فعالیت‌های متعدد کشاورزی و دامپروری از جمله در زمینه پرورش زنبور عسل مشغول هستند؛ چرا که زنان روستایی منطقه دوش به دوش مردان و در برخی موارد حتی به تنهایی در اموری از قبیل موم بافی، استحصال عسل، برداشت عسل، تغذیه مصنوعی و انتقال کندوها فعالیت دارند تعداد پرورش دهندگان زنان

روستايي استان گيلان بيش از 250 نفر است به همين دليل، استان گيلان به عنوان محل اجرا پروژه زنبور عسل با همكاري سازمان ملل خواربار كشاورزي (فائو) FAO مورد توجه قرار گرفت و انتخاب شد.

اجراء پروژه زنبور عسل با همكاري فائو پروژه زنبورداري با همكاري فائو در سال 79 با تلاش دختر امور زنان روستايي و عشائري وزارت جهاد سازندگي سابق و مديريت ترويج و مشاركت مردمی گيلان به اجرا آمد. اين پروژه شامل فعاليتهاي توليد عسل به منظور ايجاد درآمد براي قشر آسيب پذير جامعه روستايي مي شود.

هدف اصلي طرح فراهم نمودن امكانات مستقيم براي روستاييان زنبوردار به منظور توليد عسل و در نتيجه افزايش درآمد خانوار روستايي است. مخاطبان اين طرح، زنان روستايي هستند اين

پروژه سعی دارد ابزار پیشرفت در زمینه تهیه و تولید عسل را به منظور افزایش درآمد و اهمیت غذایی خانوار به طور رایگان در اختیار زنان روستایی قرار دهند.

اجرای پروژه زنبور عسل با همکاری فائو در استان گیلان با هدف افزایش و بهبود تولید عسل و فرآورده های جانبی. حمایت از زنان فقیر روستایی و یا سرپرست خانوار و کمک به ایجاد درآمد خانوار روستایی پیگیری شد. قیمت فروش هر کیلوگرم عسل حدود 12 هزار ریال می باشد. (3)

جدول (2-5) پراکنده گی گروه های زنان زنبوردار

استان گیلان

ردیف	نام	مناطق	تعداد	تعداد	تعداد
	شهرستا	روستای	(نفر)	هر	گروهها
	ن	ی		گروه	
				(نفر)	

3	6	18	چوبر - - اسالم	تالش	1
2	6	12	ورمپه - تبرسرا	ماسال	2
3	6	18	دوران - آبرياد - استه سر	رضوانش هر	3
2	6	12	سياه منه سر - مريوان	لنگرود	4
10	24	60		جمع	

مذبح: هيدماي اقتصادي استان گيلان شهرستان
تالش، سازمان مديريت و برنامۀ ريزي استان
1377.

نوغانداري:

كرم ابريشم و پرورش آن يکي از درآمدهاي فرعي
خانوارهاي روستائيان خصوصاً نقاط جلگه اي بوده
و در 76 روستا رواج دارد.

اگر چه به لحاظ بالا رفتن قيمت تخم مرغ نوغان
و ساير محدوديتهاي ايجاد شده تا حدودي از وقت
خانواده ها به انجام اينگونه فعاليتها کاسته
شده ليکن فعاليت مذکور در ارتقاء درآمد
خانوارهاي بهره بردار بسيار مؤثر بوده است و
هر چند که طول مدت صرف شده براي عمل آوري پيله
كرم ابريشم کمتر از دو ماه مي باشد ليکن در
اين مدت محدود قادر است درآمد زيادي را نصيب
خانواده ها نمايد.

فعالیت فوق الذکر نیز دارای مراحل متعددی است که در هر یک از مراحل به تناسب توانایی جنسیتها از نیروی کار زنان ، مردان و کودکان استفاده می گردد.

جدول 5-3- مراحل متعدد عمل آوری پیله کرم ابریشم را بر حسب سهم هر یک از جنسیتها نشان می دهد.

جدول (5-3) مراحل و سهم کار زنان و مردان در

پرورش کرم ابریشم

جنس	تهیه تخم نوغان	نگهداری کرم نوزاد	چیدن و آماده کردن برگ	تمیز کردن جا	برداشت	متوسط
زن	-	20	30	10	50	20/2
مرد	100	80	70	90	50	70/8

نظر به اینکه انجام مراحل فوق الذکر عمدتاً در ماههای فروردین و اردیبهشت که زمان اوج کار زنان در و جین می باشد صورت می گیرد لذا نقش مردان عمدتاً برجسته تر از نقش زنان می شود هر چند که در این نوع اشتغال که بیشتر بصورت حاشیه ای و در کنار سایر فعالیتها صورت می گیرد تمامی اعضای خانواده شرکت دارند لیکن مردان و فرزندان پسر نقش بیشتری را در این فرآیند برعهده دارند.

در سال 1375 شهرستان تالش دارای 521 خانوار نوغاندار بوده است که این خانوارها با استفادهاز 10 هکتار توتستان و 1216 جعبه تخم نوغان مقدار 33000 کیلوگرم پيله تر تولید نموده اند. (4)

1- سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان تالش
سال 1377 - تهیه کننده معاونت هماهنگی و

برنامه ریزی تلفیق و تنظیم: فرشته طالش
انساندوست. سازمان برنامه و بودجه.

2- شکوری، چنگیز. سیری در کوچ نشینان تالش،
انتشارات آذر خزر. 1382.

3- حسن زاده، ملیحه، توسکا فصلنامه آموزشی
و ترویجی. شماره چهارم زمستان. 80.

4- سیمای اقتصادی - اجتماعی شهرستان تالش
سال 1377. تهیه کننده معاونت هماهنگی و برنامه
ریزی تلفیق و تنظیم: فرشته طالش انساندوست.
سازمان برنامه و بودجه.

صنایع روستایی:

اگر چه روستا و زندگی روستایی با فعالیتهای
کشاورزی عجین شده و کشاورزی نقش اصلی را در
فعالیتهای توسعه روستایی دارد اما در سه دهه
گذشته نقش فعالیتهای اشتغالزا موسوم به
فعالیتهای خارج از مزرعه به عنوان فرصتهای

تكميلي اشتغال توليد به افزايش درآمد خانوار هاي روستايي مورد توجه سياستگذاران و برنامه ريزان توسعه قرار گرفته است. (1)

انواع صنايعي كه در روستاها ممكن است وجود داشته باشد:

الف : صنايع دستي و سنتي

ب : صنايع تبديلي

ج : خدمات فني و صنعتي روستاها

جان هامفري دلایل حمایت از صنايع كوچك مقیاس را وابسته به شرح زیر می داند:

1- صنايع كوچك داراي منافع ملي است، چنانكه

با داشتن يك بخش صنعتي كوچك توانمند، مي توان

حضور متنوع كالاهاي توليدي و اشتغال كارآمد را

تضمين كرد.

2- صنایع کوچک مقیاس بدون حمایت‌های دولتی
بوجود نخواهد آمد چرا که این صنایع دارای
محدودیت‌هایی از قبیل رسوخ به بازار است.

صنعتی شدن به عنوان قسمتی از راهبرد و توسعه
همه‌جانبه روستایی در تحقق مهم‌ترین اهداف
توسعه روستایی نقش بسزایی داشته است.

در یک جمع‌بندی کلی از مطالعات صورت گرفته
پنج اثر عمده صنعتی شدن و روستا را می‌توان
اینگونه ذکر کرد:

الف: ایجاد اشتغال، افزایش درآمد، ثبات
شغلی و درآمد

ب: کاهش مهاجرت‌های روستایی

ج: کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای با استفاده

از منابع محلی و رونق کشاورزی

د: افزایش رفاه روستایی (مسکن، بهداشت، پس

انداز) تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای

مصرفی با دوام ، افزایش آگاهی ها و رونق آموزشی

هـ : گسترش صادرات

با توجه به مطالب ذکر شده باید اذعان داشت که در شهرستان تالش از انواع صنایع روستایی فقط صنایع دستی سنتی و صنایع تبدیلی آنهم بصورت محدود وجود دارد که در صنایع تبدیلی معمولاً زنان نقش خاصی ندارند.

صنایع تبدیلی - صنایع دستی:

صنایع تبدیلی در کلیه بخشهای صنعت وجود دارد که تعریفهای گوناگونی برای آن ارائه شده است. در بخش کشاورزی. صنایع تبدیلی به صنایعی گفته می شود که ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با زیربخشهای مختلف بخش کشاورزی داشته باشد. در واقع این صنایع با تکمیل فرآیند تولید مواد کشاورزی و آماده سازی این محصولات، برای عرضه

به بازار فروش و مصرف نقش ایفا می کند. این صنایع به تکنولوژی ساده و ماشین آلات سبکی نیاز دارد که به آسانی می توان آنها را در مناطق روستایی ایجاد کرد. مواد اولیه این صنعت در روستاها به سهولت آماده است بخش سنتی کشاورزی زمانی به رشد و توسعه واقعی می رسد که همزمان با رشد تکنولوژی در دیگر بخشهای اقتصادی، از تکنولوژی در دیگر بخشهای اقتصادی، از تکنولوژی نو بهره بگیرد. (1)

بهترین صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی شهرستان تالش کارخانه برنجکوبی است. در سال 1375 این شهرستان 83 کارخانه برنجکوبی داشته که به تبدیل شلتوک برنج به دانه برنج مشغول بوده اند. متأسفانه به جز این صنعت تبدیلی صنعت تبدیلی دیگری وجود ندارد و این حرفه نیز تا به این زمان صرفاً به مردان اختصاص داشته است و

زنان در آن نقشی نداشته اند و مشکلات این بخش را می توان به دلایل زیر شرح داد:

- کمبود نقدینگی برای تولیدکنندگان

- عدم انگیزه سرمایه گذاری برای سرمایه

گذاران در مناطق روستایی به دلیل نداشتن امکانات مناسب و بازارسازی

- نبود خلاقیت در بسته بندیهای محصولات مختلف

بویژه برای صادرات

- عدم تنوع در تکنولوژی تولید و استفاده از

ماشین آلات قدیمی

- کمبود آموزشهای فنی و حرفه ای در مدارس

با توجه به مطالب ذکر شده می توان نتیجه

گرفت که صنایع تبدیلی مواد غذایی، عامل مهمی

در توسعه و گسترش کشاورزی و کشوری است به طوری

که اگر در بعضی از محصولات شیوه های صحیح تبدیل

و انبارداری مواد غذایی به کار گرفته شود،

کشور از لحاظ تأمین این محصولات بی نیاز خواهد شد. با توجه به این عناوین و اهمیت فعالیت زنان در این زمینه موارد چندی برای تحقق اهداف توسعه صنایع تبدیلی و اشتغال زایی مؤثر زنان روستایی پیشنهاد می شود که با عملکرد و اجرای آنها زنان روستاهای تالش نیز می توانند در زمینه این صنعت به فعالیت بپردازند.

الف) تسهیلات و حمایت‌های دولت از زنان بخصوص زنان روستایی بیشتر شود تا آنها بتوانند از منابع اعتباری و تسهیلات بانکی به راحتی استفاده کنند.

ب) الگوهای برای مصرف بهینه محصولات کشاورزی و فرآوری و تولید فرآورده های سالم و مغذی خانگی توسط مروجان و کارشناسان زن برای خانوار های شهری و روستایی ترسیم و به آنها آموزش شود.

ج) از فارغ التحصیلان زن دانشگاهها در رشته های کشاورزی به عنوان سرمایه های علمی و فنی مورد نیاز بخش کشاورزی برای تولید بهتر و مرغوبتر و راه اندازی صنایع تبدیلی و همچنین برای نظارت و مشاهده استفاده شود.

د) ایجاد روحیه تعاون و همکاری در بانوان و قدرتمند کردن سرمایه های جزیی در قالب تعاونی. تولید صنایع دستی از جمله فعالیتهایی است که عمده ای از زنان را بخود مشغول نموده است. صنایع دستی انواع گوناگون محصولات را شامل می گردد از جمله این فعالیتهای می توان حصیربافی - تولید وسایل چوبی، بافت قالی و قالیچه و بافندگی را نام برد که برخی از آنها مانند قالیبافی از فعالیتهای کاملاً زنان محسوب می گردد و برخی دیگر مانند ساخت وسایل چوبی جهت

عرضه به بازار و حصیربافی از فعالیت‌هایی است که مردان نیز بدان اقدام می‌نمایند.

شکلی نیست که صنایع دستی با سنتها و آداب و رسوم جامعه و تفکر و بینش هنرمندان و سازندگان و نیز محیط جغرافیایی و طبیعی رابطه مستقیم و بسیار نزدیک دارد. و به همین جهت از صنایع ماشینی متمایز می‌باشد.

در سال 1375 تعداد 1754 واحد صنایع دستی در شهرستان تالش فعال بوده است این واحدها توانستند 2548 نفر را به فعالیت مشغول نمایند. انواع صنایع مورد نظر عبارتند از قالی بافی، گلیم بافی تولیدات دست بافت پشمی و سفالسازی، گلیم بافی با بیشترین تعداد، 53/8 درصد شاغلان و سفالسازی با تعداد 4 واحد یک درصد شاغلان صنعت دستی این شهرستان را به خود اختصاص داده

اند در کل 16 درصد کل شاغلان صنایع دستی استان در این شهرستان فعالیت دارند.

در تالش بعد از انقلاب تولید گلیم به لحاظ مهاجرت برخی بافندگان از نواحی اردبیل و خلخال و تنگناهای ناشی از فرصت های شغلی نضج گرفته و حدود 400 دستگاه بافندگی در دهستانهای اسالم و حومه شهرستان تالش وجود دارد که سالیانه بیش از 10/000 مترمربع گلیم به بهای حدوداً 560 میلیون ریال تولید می نماید.

این فعالیتها معمولاً مختص بانوان شهرستان تالش می باشد که در زمانی که از کار کشاورزی فارغ می شوند به کارهای دیگر روی می آورند. همچنین در این شهرستان ساختن تنورهای سفالی نیز بر عهده زنان روستا می باشد.

1- مرادي ، آزاده . مقاله اشتغالزايي زنان
روستايي در زمينه صنايع تبديلي، هدي، نشریه
آموزشي ترويجي ، ویژه مروجان زن روستايي.

فصل دوم

ویژگیهای اجتماعی -
اقتصادی فعالیتهای زنان
روستایی منطقه

2- ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی فعالیتهای

زنان روستایی منطقه:

2-1- تفاوت‌های جنسی در نحوه بهره‌گیری

از سواد و تأثیر آن بر اقتصاد روستایی

منطقه:

همانطور که بیش از این نیز اشاره شد از
اهرم‌های مهمی که جهت ارتقاء آگاهی و کیفیت کار
زنان مورد نیاز است تحصیل می‌باشد. بالا بودن
سطح تحصیل در جامعه‌ای که خصوصاً در بین زنان نه
تنها آنها را قادر به بهره‌گیری از مهارت‌های
جدید و بهبود کیفیت کار می‌کند بلکه این امر
خود به خود سبب محدودیت تعداد فرزندان شده و
همچنین فرزندان سالم و آگاه در دامان چنین
مادرانی پرورش خواهند یافت.

البدته باید توجه داشت که گسترش آموزش و

پرورش درس دختران و زنان روستایی ممکن است

موجب کاهش مشارکت آنان در فعالیتهای سنتی گردد
لیکن در عین حال می‌توانند زمینه را برای
فراگیری فنون و مهارتهای نوین فراهم ساخته و
آنان را با شرایط توسعه روستایی همراه سازد.

گسترش امکانات امکانات تحصیلی برای دختران
روستایی در سالهای اخیر تا حدی توانسته فاصله
سواد بین جنسهای مذکر و مؤنث را در روستاها
کاهش دهد. این در حالیست که گسترش تحصیلات بین
مردان ممکن است سبب بالارفتن نرخ مهاجرت آنان
از روستا به شهر گردد لیکن برای دختران تنها
سبب بالارفتن نرخ بیکاری خواهد شد چرا که همپای
گسترش امکانات آموزشی اشتغالات متناسب با
آموزشهای داده شده بوجود نیامده است. و از
آنجائیکه دختران از توان تحرک فیزیکی کمتری
برخوردار می‌باشند، قادر به یافتن شغلی مناسب
برای خویش نخواهند بود.

بنابراین اطلاعات مربوط به سطوح تحصیلات جمعیت نمونه ما را در تشریح برخی از تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی یاری خواهد نمود. بر این اساس جدول (4-5) تهیه شده است که سطح تحصیلات در میان جمعیت نمونه را نشان می‌دهد.

همچنین در اکثر نواحی توسعه یافته فاصله سواد بین دو جنس در سنین پایین رو به کاهش می‌رود. خصوصاً در سطوح دبستان در قریب به اتفاق روستاهای مورد مطالعه امکانات آموزشی برای دختران و پسران بطور برابر موجود است. چنین شرایطی این امیدواری را می‌دهد که در آینده بهبود دسترسی به تحصیل سبب افزایش فرصت‌های اشتغال برای زنان روستایی گردد. همانطور که در جدول (4-5) ملاحظه می‌گردد. در گروه سنی دبستان حتی تعداد و نسبت آنان بیش از جمعیت ذکور می‌باشد بطوریکه 51 درصد باسوادان در سطح تحصیلي

ابتدایي را زنان تشکیل می دهند و دلیل این امر را عمدتاً در کاهش تعداد تحصیل کردگان زن در سطوح بالاتر نسبت به مردان می توان قلمداد نمود در سطوح بعد از ابتدایي و از سطح راهنمایی می توان این سیر نزولی و افزایش تفاوت بین باسوادان مذکر و مؤنث را مشاهده نمود. لذا در این مقطع در برابر 126 باسواد مرد 86 باسواد زن یعنی تنها (40/6) درصد وجود دارد. علاوه بر این 23 درصد باسواران زن نیز در این سطح سواد قرار دارند و به عبارتی 55 درصد زنان با سواد کمتر از سطح دبیرستان سواد دارند و در عین حال 32/6 درصد آنان نیز بی سواد می باشند.

شاید دسترسي تحصیل برای زنان، محدوده ای باشد که آنان در سالهای اخیر بیشترین نفع را از آن برده اند جدول مذکور نشان می دهد که هنوز تفاوت بسیاری بین اناث و ذکور در این

منطقه وجود دارد. علاوه بر اینها سقوط نرخ باسوادان در مقطع نظری و دیپلم به بعد برای هر دو جنس زیاد است و نسبت. آنانی که دبیرستان را پشت سر گذاشته اند و یا تا آن سطح پیش رفته اند تنها 10/2 درصد است.

علاوه بر اهمیت که کسب سواد و تحصیلات در آگاهی بخشیدن و اعطاء اعتبار اجتماعی و بالطبع آن مشارکت در تصمیم گیریها برای زنان دارد، آنها عمده‌تاً تحصیلات را به عنوان وسیله ای جهت دستیابی به شغلی مناسب می‌نگرند تا به عنوان ابزاری برای ایفای نقش اجتماعی.

بدین ترتیب اگر چه گسترش سواد در بین زنان روستایی در آگاهی بخشیدن و ارتقاء توان اجتماعی آنان مناسب در بهره گیری از توانهای ایجاد شده و عدم امکان اعطاء نقش های متناسب با قابلیت‌های موجود مشکلات فردی و اجتماعی آنان

دوچندان می گردد لذا به موازات سرمایه گذاری در جهت ایجاد امکانات دسترسی برابر به آموزش برای دختران خصوصاً در سطوح تحصیلی بالاتر لازم است برنامه هایی در جهت بهره گیری از تواناییهای بالقوه آنان طرح ریزی گردد.

جدول (4-5)

کل	درصد به جمعیت گروه سنی مشابه درصد نسبت به گروه جنسی درصد نسبت به کل جمعیت		سطوح تحصیلی
	زن	مرد	
	210	122	
	58/1	41/9	
27/6	32/6	22/7	

	16/0	11/6	
243	124	119	دبستان
31/9	51/0	49/0	
	33/2	30/7	
	16/3	15/6	
212	86	126	
27/9	40/6	59/4	راهنمائي
27/9	23/0	32/6	
	11/3	16/6	
82	38	44	
10/8	46/3	53/7	نظري و ديپلم
	5/0	5/8	
6	1	5	
0/8	16/7	83/3	فوق ديپلم
	0/3	1/3	
	0/1	0/7	

8	3	5	لیسانس و بالاتر
	37/5	62/5	
1/1	0/8	1/3	
	0/4	0/7	
761	374	387	
100	49/1	50/9	جمع

2-2- کم و کیف درگیری زنان در انواع

فعالیتها

جهت روشن شدن نحوه مشارکت زنان در نیروی کار و چگونگی توزیع کار آنان طی فصول مختلف سال و همچنین درگیری آنان در امور خانه داری درج سؤالات خاصی ضروری بود که طی آن ضمن تفکیک هر یک از وظایف روزانه چگونگی مشارکت زوجین (زن و مرد) در انجام هر یک از این فعالیتها مورد پرسش قرار گرفت. بنابراین لازم بود که ساعتهای

معمولي که به کارهاي روزمره پرداخته مي شود و ساعتهاي واقعي با موثر که در فعاليت توليد زراعي صرف مي گردد و تفکيک شود. لذا اگر در روز مورد مصاحبه فرد مورد سؤال به دلائلي کار نمي کرده متوسط ساعتهاي معمولي در کار در هفته پرسیده مي شد، و همچنين براي جلوگيري از تأثيرات فصلي و قراردادن زمان مصاحبه در بازگکردن نحوه و میزان کار از سوي پاسخگو، يك دوره دوازده ماهه شامل چهار فصل که به طور عادي مردان و زنان در طی يكسال به کار مي پرداختند مبناي پرسش قرار گرفته است. جدول (5-5)

داده هاي گردآوری شده از منطقه مورد مطالعه نشان مي دهد که کار در مزرعه براي زنان به عنوان مکمل خانه داري و بلکه انجام امور اقتصاد مختلط با کارهاي روزمره خانه است و لذا

تفكيك آنها براي پاسخگويان دشوار مي باشد. چرا
که زنان ضمن رسيدگي به امورات روزمره منزل در
زمان فراغت از آن به فعاليتهاي اقتصادي جانبي
مانند رسيدگي به مرغان خانگي و يا باغچه
سبزيجات و يا انجام امور مربوط به مزرعه
خانوادگي مي پردازند. لذا همانطور که در جدول
(5-5) ملاحظه مي گردد ساعات روزانه درگير در
کار زنان بسيار طولاني تر از ساعات کار روزانه
مردان گزارش شده است. اين درحاليست که اوقات
فراغت آن نيز کوتاهتر مي باشد. اين امر نشان
مي دهد که زنان غالباً اولين عضو خانواده هستند
که صبحها برمي خيزند و کار را شروع مي نمايند
و آخرين عضوي هستند که براي استراحت به بستر
مي رود. قابل ذکر است که ساعات صرف شده براي
هر يك از امور روزانه خانه و يا کار در مزرعه
و ... بر حسب سن و تعداد فرزندان و خصوصاً سن و

جدول (5-5) نحوه توزیع ساعات کارهای خانگی و

اقتصادی در یک شبانه روز به تفکیک مرد و زن

ساعات صرف شده برای مردان			جمع	تعداد شمارش	کل ساعات صرف شده برای زنان	انواع فعالیت
جمع	تعداد شمارش	مجموع ساعات صرف شده				
2/95	346	221/8	9/5	691	979/8	کل مدت فعالیت های خانهداری
0/16	11	1/80	0/5	11	8/20	جمع آوری و ذخیره آب

1/15	57	65/50	0/21	57	11/80	جمع آوري سوخت
-	-	-	1	114	166	شستشو و تميزكر دن وسايل منزل
-	-	-	1	112	155/30	شستشوي البسه
1/48	98	145/50	1	98	113/50	تهيه مواد غذايي و پوشاك

-	-	-	1/5	113	211	پخت غذا
0/1	69	12	1/5	69	118/50	شستشو و مراقبت از فرزند ان
-	-	-	0/5	6	10	مراقبت از بیمار ان در منزل
0/06	111	7	1/5	11	185/50	نظافت منزل
10/07	190	1049	8/54	190	692/3	کل مدت

						فعاليت هاي توليدي
8/77	113	991	5/11	113	577/50	فعاليت اقتصاد ي اصلي و فرعي
0/50	23	13	1	23	51/5	توليد صنايع دستي
0/8	54	45	0/5	54	62/30	نگهدار ي و مرمت منزل
3/40	105	357	1/5	105	157/5	اوقات فراغت

جنس آنها نوسان می‌یابد برای مثال وجود دختران جوان در خانه کمک بزرگی برای مادر در انجام امور جاری روزانه می‌باشد و فرصت بیشتری برای آنان جهت حضور در مزرعه فراهم می‌سازد.

بدین ترتیب ساعات کار روزانه زنان 18 ساعت در برابر 13 ساعت کار مردان گزارش شده است. این درحالیست که اوقات فراغت مردان نیز بیش از دوبرابر وقت آزاد زنان می‌باشند ($3/4$ در برابر $1/5$) ، لذا ملاحظه می‌گردد که زنان در حال حاضر با فشار کاری بسیار می‌باشند و از عمده ترین دلایل کناره گیری آنان از فعالیتهای اقتصادی در زمان بهبود شرایط اقتصادی خانوار همین مسأله است. لذا در هر گونه برنامه ریزی که با هدف بهبود شرایط کار و زندگی زنان طرح ریزی می‌گردد در نظر گرفتن این مسأله ضروری می‌باشد. در مناطق روستایی زنان معمولاً یک وظیفه

دوگانه بلکه سه گانه را بر عهده دارند، آنها همچنانکه مسئولیت انجام امور منزل، نگهداری کودکان و تولید مواد غذایی معیشتی را بر عهده دارند، آنها همچنانکه مسئولیت انجام امور منزل، نگهداری کودکان و تولید مواد غذایی معیشتی را بر عهده دارند در عین حال در اشتغالات نقدي نیز مشارکت دارند. تقریباً در همه جا زنان نسبت به مردان ساعات بیشتری کار می کنند.

بررسی جدول فوق الذکر ما را به این واقعیت رهنمون می سازد که در درون خانواده تقسیم کاری پایدار و قوی حاکم است. چنین تقسیم کاری در طی تاریخ طولانی و پرمایه مقتضیات اجتماعی جامعه شکل گرفته که عوامل پیرامونی بندرت قادر به تغییر و دگرگونی آن است. و تنها به برخی از جنبه های اشتغال زنان تأثیر می گذارد، می باشد. بر طبق چنین تقسیمی کاری در طی تاریخ

طولاني و بر پایه مقتضیات اجتماعی جامعه شکل گرفته که عوامل پیرامونی بندرت قادر به تغییر و دگرگونی آن است و تنها به برخی از جنبه های اشتغال زنان تأثیر می گذارد، می باشد. بر طبق چنین تقسیم کاری در طی تاریخ طولانی و بر پایه مقتضیات اجتماعی جامعه شکل گرفته که عوامل پیرامونی بندرت قادر به تغییر و دگرگونی آن است و تنها به برخی از جنبه های اشتغال زنان تأثیر گذار می باشد. بر طبق چنین تقسیم کاری امور مربوط به خانه داری و تربیت کودکان بطور اصلی جزو وظایف قطعی زنان محسوب می گردد و مردان نقش بسیار ضعیفی در انجام اینگونه امور ایفا می نمایند، این در حالیست که نقش مردان در این زمینه نیز عمدتاً به اموراتی که به نحوی خارج از منزل مربوط می گردد محدود می شود لیکن در مقابل زنان فعالیت مردان در امور اقتصادی و

تولیدی بیش از زنان گزارش شده است. چنین توزیعی بیانگر چندبعدی بودن وظیفه زنان در مقابل اشتغال مردان در یک فعالیت اقتصادی اصلی است. بنابراین در هر گونه برنامه ریزی توجه به این نکته که زنان واحد می‌بایست فعالیتهای متنوع و متعددی را انجام دهند و وقت آزاد کمتری دارند را می‌بایست مورد توجه و دقت نظر قرار داد. کم و کیف درگیری زنان در انواع فعالیتهای اقتصادی و غیر اقتصادی تابعی از خصوصیات اجتماعی اقتصادی و محیطی به گونه‌ای که افرادی با ویژگیهای مختلف عکس‌العملی متفاوت نسبت به شرایط از خود بروز می‌دهند و لذا مقدار ساعات صرف شده در هر یک از وظایف فوق تحت تأثیر عوامل متعدد از جمله سواد و سن زنان قرار دارد.

جهت دستیابی به تحلیلی در مورد تأثیر سطوح تحصیلی زنان بر میزان وقت صرف شده در هر یک از فعالیتهای مورد نظر بر اساس داده هی بدست آمده از پژوهش میدانی (جدول 6/5) تنظیم شده است.

چنین تأثیری از طریق سن نیز قابل تفسیر می باشد که اطلاعات آن در جدول (5-7) درج گردیده است. همانطور که اشاره گردید یکی از عوامل مهم مؤثر بر نحوه و میزان کار زنان روستایی سطح تحصیلات و سواد آنان می باشد. از آنجائی که اشتغال در روستاها عمدتاً به صورت غیررسمی و کار مزارع می باشد لذا همانطور که از جدول استنباط می گردد با افزایش سطح سواد از میزان اشتغال تولیدی و اقتصادی یا به عبارتی کار زراعی کاسته می گردد، این درحالیست که ساعاتی را که صرف امور خانه داری می نمایند افزایش یافته است. عمده ترین دلیل این افزایش ساعات

کارخانه داری را می توان در وجود فرزندان
خردسال در اینگونه خانواده ها دانست چرا که
غالباً افرادی با سطح سواد بالاتر سن کمتری نیز
داشته و خانواده های جوان را تشکیل می دهند از
اینرو ساعات فراغت کمتری را نیز گزارش کرده
اند در حالیکه زنان بیسواد با سطح سواد
ابتدایی عمدتاً دارای سنین بالاتر بوده که
قاعدتاً وقت آزادشان نیز اندکی بیشتر می باشد.
(16-5)

طبق این جدول (5-7) نحوه توزیع ساعات کار
زنان خانواده را برحسب سن آنان نشان می دهد
همانطور که ملاحظه می گردد در گروه های سنی
پایین تر ساعاتی که صرف رسیدگی به امور خانه
می گردد طولانی تر است. همانطور که قبلاً نیز
گفته شد علت آنرا در کوچک بودن فرزندان
خانواده که نه تنها قادر به کاستن بار کاری

مادر نیستند بلکه خود مراقبت بیشتری را می طلبند می توان دانست، تنها در گروه سنی بالاتر از 65 سال حکم نقض می گردد که آن نیز به دلیل کهنسال بودن این زنان و کاهش توانایی کارشان است که خود بخود برای انجام کاری مشابه نیاز به صرف وقت بیشتری دارند. در رابطه با فعالیتهای اقتصادی، اندکی نوسان دیده می شود بطوریکه زنان کمتر از 25 سال به دلیل اینکه عمدتاً تازه تشکیل خانواده داده و مشغله کمتری دارند وقت بیشتر را در این امور صرف می نمایند در حالیکه در گروههای سنی بعدی در این زمینه شاهد افت ساعات کار می باشیم بعد از آن در گروه سنی 46-55 مقدار وقت صرف شده در این فعالیت به حداکثر رسیده و سپس به دلیل کاهش توان کاری و وجود فرزندان بزرگسال به عنوان

نیرو های کمکی مجدداً ساعات کار مادران سیر
نزولی می یابد.

بررسی جدول (5-8) توزیع فصلی کار، نشان می
دهد که بیشترین درگیری زنان در امور زراعت در
فصول بهار و تابستان می باشد که مراحل کاشت
محصول انجام می شود و مرحله داشت و برداشت
عمدتاً بر عهده مردان است. بنابراین اهمیتی که
این مرحله از کار کشت و زرع داشته تعیین کننده
کیفیت و کمیت محصول است. لذا نقش کاری زنان
برجسته تر می باشد با عنایت به اینکه اغلب
روزهای کار مردان زمانی است که آنها صرف نظارت
و آبیاری و به عبارتی داشت محصول می نمایند.
همچنین این اوقات زمانی را که آنها صرف تهیه و
پخش کود و سم می نمایند و یا اوقاتی را که در
پی اجیر کردن کارگر صرف نموده و بر کار وی
نظارت دارند نیز شامل می گردد، حال آنکه وقت

گزارش شده زنان عمدتاً روزهایی را در بر می گیرد که آنها مستقیماً در زمینه زراعی خانواده جدول (5-8) : توزیع روزهای کار زنان برحسب

فصول و انواع محصولات مورد کشت

مردان			زنان			انواع کشت و زرع و فصول مختلف
متوسط روزهای کار برای هر فرد	تعداد شمارش	مجموع روزهای کار	متوسط روزهای کار برای هر فرد	تعداد شمارش	مجموع روزهای کار	
131/6	-	-	89/2	-	-	برنج
52/2	119	6209	47/27	126	5956	بهار
46/24	116	5364	24/32	121	2943	تابستان
15/9	60	954	11	46	506	پاییز
17/3	21	364	6/57	7	46	زمستان
175/5	-	-	198	-	-	تنباکو
65/75	4	263	68	5	340	بهار

58	5	290	74	5	370	تابستان
21/75	4	87	26	5	130	پاییز
30	1	30	30	1	30	زمستان
127	-	-	93/6	-	-	حبوبات
48/75	4	195	37/5	6	225	بهار
37	5	185	29/17	6	175	تابستان
27/67	3	83	14/6	5	73	پاییز
13/5	2	27	12/33	3	37	زمستان
74	-	-	68/6	-	-	سبزیجات
26/88	17	457	23/2	25	580	بهار
20/9	11	230	178	23	409	تابستان
12	9	108	13/9	17	236	پاییز
14/29	7	100	13/7	7	96	زمستان
120	-	-	116	-	-	سایر
26/7	4	107	22/25	4	89	بهار
23	4	92	28/67	3	86	تابستان

20	1	20	20	1	20	پاییز
50	1	50	45	1	45	زمستان

و یا در زمین دیگران بطور یاوری کار کرده و یا به عرضه نیروی کار خویش در قبال دستمزد در سایر اراضی زراعی می پردازند.

بدین ترتیب در هر گونه برنامه ریزی که با هدف بکارگیری از توان فیزیکی و دقت زنان روستایی طرح ریزی می گردد توجه به اوقات پرکاری و کم کاری زنان در طی سال حائز اهمیت می باشد، چرا که تدوین برنامه ای که در وقت زراعی، آنان را از انجام امور کشاورزی باز دارد با شکست روبرو خواهد شد.

2-3- منزلت اجتماعی و اشتغال زنان

جهت شناخت بهتر عوامل محیطی تأثیرگذار بر اشتغال زنان روستایی منطقه، علاوه بر گردآوری اطلاعات در مورد وظایف تخصصی، شناسایی تفکرآتی

که در خانواده و یا در سطح جامعه درباره
فعالیت‌هایی که برای زنان یا مردان مناسب است و
میزان و منزلتی که آنها در انجام این وظایف
بدست می‌آورند مفید است، بعضی از وظایف با
توجه به سطح تکنولوژی بکار رفته و نظارت
مستقیم بر کار، دارای منزلت بدون کم و کاست
است.

اینکه کار در خانواده باشد یا در مزرعه یا
برای دیگران با مزد یا بدون مزد بر منزلت زنان
تأثیر می‌گذارد. کاری که توسط کودکان و
گروه‌های کم درآمد انجام می‌شود خواه ناخواه کم
منزلت بشمار می‌رود. از سوی دیگر میزان مشارکت
زنان در خرید و فروش و تجارت می‌تواند سبب
ارتقاء آگاهی آنان شده و پل ارتباط اطلاعاتی
بین شهر و روستا باشند.

در رابطه با جایگاه اشتغال زنان در جامع
دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. امین زاده در
کتاب جمعیت‌شناسی کار و وضعیت کاری زنان را
اینچنین بیان نموده است. «با توجه به اینکه
خانواده اساس و پایه هر جامعه است، کار زن در
منزل بی‌اجرت و از نظر اجتماعی فاقد ارزش پولی
است. زن در خانواده تولیدکننده ای است که
تابع ارداده شوهر است و تحت انقیاد برای
استثمار اقتصادی هر چند که فعالیت او غیر مولد
تلقی می‌شود، این چنین برداشت ناشی از اندیشه
اقتصاددانان و آمارشناسان بوده که مشارکت زن
را بدون مزد محسوب می‌دارند و درآمد ملی منظور
نمی‌کنند و در نتیجه در زمره جمعیت فعال مجاب
نمی‌آیند» (1)

معذالك طبق برآورد‌هایی که به عمل آمده است،
کار نامرئی زن خانه دار حدود 25 تا 40 درصد

تولید ناخالص داخلی را تشکیل میدهد، در صورتیکه زنان خانه دار جزء جمعیت فعال در نظر گرفته شوند و خدمات آنان در هزینه خدمات جامعه به حساب آید، بدون شك دگرگونی عمده ای در جهت یابی برنامه های مختلف سیاست اجتماعی بوجود خواهد آمد. این درحالیست که گروهی دیگر بر یکپارچگی کار زن و مرد تأکید داشته و کار زنان کار مردان، سامان دهنده بنیان اقتصادی - اجتماعی نهاد خانواده می دانند.

در مجموع فعالیتهای «زنانه» یا به عبارت دیگر کارهای خاص زنان ناشی از تخصص محدود زنان و واگذاری بعضی مشاغل به اصطلاح «زنانه» برای آنان بیشتر ناشی از نارسایی تخصصی و مهارت آنان و یا بر اثر تخصصها و مهارتهای ناهماهنگ آنان است که عمدتاً با نیازهای بازار کار مطابقت ندارد. لذا از نظر سلسله مراتب شغلی در

اثر چنین حالتی در پایین ترین رده های شغلی قرار می گیرند، بطوریکه انجام اینگونه کارها توسط مردان موجب خفت و خواری آنان خواهد گشت. با توجه به جدول شماره (5-9) ملاحظه می گردد که پاسخگویان کشاورزی را دارای پایین ترین منزلت و ارزش بیان نموده اند این دیدگاه برخاسته از وضع نامطلوب اقتصاد کشاورزی و ریسک پذیری آن است لذا نظر به سخت بودن شرایط کاری و نوسانات فراوان در منابع حاصل از فعالیتهای کشاورزی که منجر به استهلاک جسمی زنان روستایی می گردد بیش از 25% پاسخگویان از بین اشتغالات رایج روستایی کشاورزی را شغلی نامناسب و پرزحمت بیان نموده اند.

بدین ترتیب آنها هیچگونه تمایلی به اینکه دخترانشان نیز همانند خویش به کشاورزی بپردازند نداشته و تلاش آنان در جهت تحصیل

دختران بدین منظور است که آنها بر خروج از سیکل کار پر رنج کشاورزی و فقر توانا گردند. از سوی دیگر بیش از 10% از پاسخگویان معتقد بودند که کار برای دیگران فاقد منزلت و ارزش اجتماعی است. این نگرش ناشی از این باور است که آنها کار برای دیگران را تنها در قالب کارهای کشاورزی و کارگری می‌انگارند و لذا معتقدند که تنها افراد فقیر به اینگونه کارها تن در می‌دهند.

علاوه بر این قریب به 4% پاسخگویان نیز پرورش طیور را نیز به لحاظ تلفات زیاد و زحمت کم حاصل، فاقد ارزش اجتماعی و اقتصادی بیان کرده‌اند.

جدول 5-9- اشتغال‌داران پایین‌ترین منزلت و

ارزش از نظر پاسخگویان

درصد	تعداد	انواع فعالیتها
------	-------	----------------

25/2	33	کشاورزي
3/8	5	دامداری و پرورش طیور
-	0	صنایع دستی
-	0	کار در کارگاه و کارخانه
10/7	14	کارگری برای دیگران
0	0	اشتغال اداری
60/3	79	هیچکدام
-	131	جمع

1- امین زاده ، فرخ. جمعیت شناسی کار، جلد دوم. انتشارات دانشگاه ملی ایران، 1358 ، ص 127.

جدول (5-10) به گونه ای دیگر تمایلات زنان را مورد پرسش و نظر خواهی قرار داده است بر طبق جدول مشاهده می گردد که بیش از 66% پاسخگویان اظهار داشته اند که مایلند در زمین مزروعی

خانواده کار کنند. این احساس ناشی از حس تعلق به خویش و استقلالی است که در چنین شرایطی دارند. در جامعه مورد مطالعه ما نیز 16 درصد از پاسخگویان کار در قبال دریافت دستمزد را ترجیح می‌داده اند لیکن منظور از این نوع کار عمدتاً فعالیت‌های مزدی دیگر غیر از کارهای زراعی نیز بوده است.

نکته قابل توجه این است که 9/2 درصد پاسخگویان نیز هیچ‌یک از موارد کاری مذکور را ترجیح نمی‌داده اند و اصولاً برخی به دلیل کسالت سن و یا برخی دیگر به دلیل عدم نیاز اقتصادی مایل به انجام هیچگونه کاری نبوده اند باید توجه داشت که رفتار و پیش‌داوری‌های اجتماعی - فرهنگی عوامل آموزش و فرهنگ را در جامعه‌ها به حرکت در می‌آورند و نظام ارزشها از نظر اجتماعی و سنتی انتقال آنها را به افراد تشویق می‌نماید

و خود این امر در شرایط کنونی تقسیم وظایف و نقش را از نظر زن و مرد در کلیه مراحل زندگی گروه‌های انسانی توجیه می‌کند. نفوذ مستمر و مداوم اینگونه طرز تفکر و اندیشه‌ها همچنان افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا خود را با الگوهای زنان و مردان تطبیق دهند. بدین ترتیب در فرآیند «اجتماعی شدن» یا به عبارت دیگر در شرایطی که کودک به یک فرد اجتماعی تبدیل می‌شود تا وظایف محوله را «طبق انتظار» یا مطابق توقعات جامعه انجام دهد، انگیزه‌های لازم بوجود می‌آید.

جدول (5-10) شکل مرجح کار از نظر زنان روستایی

درصد	تعداد	اشکال مختلف کار
66/4	87	کار در مزرعه خانوادگی
16	21	کار در مقابل دستمزد

69/1	8	کار در قبـال کاریاوري
9/2	12	هیچکدام
2/3	3	بدون پاسخ

2-4- جایگاه اشتغال زنان و درآمد خانوار

در منطقه:

يك جهت گيري مهم موقعيت زنان، فعاليت هاي اقتصادي و دسترسي به درآمد است. در اكثر جوامع روستايي جهان سوم، نيروي کار و درآمد زنان از طريق جامعه کنترل مي شود اين کنترل عمدتاً توسط مرد ارشد خانواده که پدر يا شوهر مي باشد صورت مي گيرد.

بهر حال درآمد زنان موقعيت اجتماعي او را حداقل در درون خانوار بهبود بخشیده و بطور بالقو در وي در تصميمات خانوادگي و قدرت نسبي

در خانواده نقش بیشتر اعطاء می نماید. زنان روستایی منطقه بطور سنتی در تولیدات اقتصادی خانوار توسط عرضه نیروی کار خویش مشارکت داشته اند. چنین فرصتهای اشتغال برای آنان و دریافت درآمد ارزش آنان را در سازمان خانوار بهبود بخشیده هر چند که شرایط و جو کلی بصورت مردسالاری همچنان باقی مانده است. در اکثر کشورهای جهان در شرایط بحرانی دوره های اقتصادی، زنان بیشتری جهت کمک به درآمد خانواده وارد نیروی کار مزدی می گیرند. حتی امروزه زنان به دلیل نیاز اقتصادی در نیروی کار مشارکت می نمایند. صرف نظر از اینکه با همسرانشان زندگی کنند و یا اینکه خود سرپرست خانواده باشند. (1)

لیکن برطبق بررسیهای میدانی انجام شده زنان منطقه هر چند که عمدتاً به لحاظ نیاز ملی

خانوار اقدام به انجام امور کشاورزی و سایر
فعالیت‌های اقتصادی می‌نمایند لیکن محدودیت‌های
ناشی از نبود فرصت در شرایط بحرانی اقتصادی
آنها قادر به گسترش منابع درآمدی خویش از طریق
یافتن شغل درآمدزا نمی‌باشند بلکه در شرایط
گسترش بیکاری بعضاً اشتغال سابق خویش را نیز از
دست می‌دهند، بطوریکه نمونه‌های چندی در منطقه
موید این مسأله بوده است که از سوی دیگر با
افزایش سطوح دستمزدها و یا افزایش درآمد
خانوار از طریق درگیری در امور زراعی که برای
اکثر زنان متأهل سبب بالارفتن درآمد شوهرانشان
و بالطبع ارتقاء استاندارد زندگی‌شان می‌گردد،
زنان زیادی در صدد کاهش کارهای خانگی غیرمزدی
شان بر می‌آیند، در شرایط وجود فرصت‌های
اشتغال، این عده ضمن استفاده از شیوه‌های غیر
کاربر و خرید خدمات سعی در اشتغال این گروه به

اتلاف وقت آزاد شده خویش می پردازند، برای مثال
مذسوخ گردیدن سنت تهیه پوشاک خانوار و تهیه
سایر ملزومات از جمله حصیر، سبد و ... و رواج
انواع تجاری آن شاهی بر این مدعاست.

بررسیهای به عمل آمده در منطقه نشان می دهد که
اگر چه زنان در فعالیتهای اقتصادی و زراعی سهم
بسیاری دارند و به خصوص در رابطه با خانوارهای
کشاورزی بی زمین و کم زمین یقیناً نقش تعیین
کننده ای در جلوگیری از سقوط اقتصاد خانواده
در زیر خط فقر داشته اند لیکن محاسبه دقیق سهم
آنان در درآمد خانواده نیازمند تحقیق مجزا
بوده و از توان این رساله خارج است. چرا که
نقش زنان از ابعاد مختلف اقتصادی می بایست
مورد توجه قرار گیرد چرا که آنان علاوه بر
اینکه با انجام کارهای مزدی مستقیماً در درآمد
خانواده مشارکت دارند با اقدام به تولید برخی

از نیازمندیهای خانواده و صرفه جویی در خرید خدمات با کاهش هزینه های زندگی از يك سو و با مشارکت در امور کشاورزی و سایر فعالیتهای اقتصادی به عنوان نیروی کار خانوادگی غیر مزدی هزینه های تولید را نیز کاهش می دهد لذا تمامی این مشارکتهای در مجموع می تواند بیانگر مشارکت زنان در درصد بالایی از درآمد خانواده بوده باشد. اما با نگاهی به موارد فوق الذکر و جهت مقایسه ای ساده نسبت درآمد زنان به مردان در جدول شماره (5-11) آورده شده است. لذا باید توجه داشت که درآمد حاصل از کار کشاورزی که همکاری مستقیم زمان را نیز در خود داشته جز درآمد سرپرست خانوار که يك مرد می باشد محسوب شده است.

یافته ها بر این نکته تأکید داشته اند که تفاوتها در ساختار درآمد نواحی بیشتر متأثر از نحوه توزیع اشتغالات

جدول شماره (5-12) حجم کار زراعی زنان در طی سال

به تفکیک سطوح درآمدی خانوار

تعداد روزهای کار کشاورزی زنان در طی یکسال								
در صد	جمع	+120	-119	-89	-59	-29	0	سطوح درآمد (ریال)
3	4	-	-	2	1	1	0	
51	67	10	12	25	13	3	4	
32/6	44	2	5	6	19	3	2	
10/7	14	1	1	7	3	10	0	
-	1/5	-	-	1	1	2	0	
131	100	13	41	41	37	0	6	

جدول شماره (5-11) جایگاه و سهم درآمد زنان و

مردان در اقتصاد خانوار

جنسیت	مجموع درآمدها	تعداد	متوسط	سهم زنان و مردان در فعالیت های کشاورزی	سهم جنسیت در درآمد خانوار
ذکور	2668200 0	156	5/ 171038	63/3	91%
اناث	2756300	49	56251	36/7	9%
جمع	2943830 0	25	17666	100	100

و تنوع در فرصتهای اشتغال بوده است چند
اشتغالی و تنوع منابع درآمد و موقعیت
جغرافیایی در اشتغال زنان و مردان تأثیر
بیشتری از عوامل فردی مانند سن و تحصیلات داشته
است. در عین حال فاکتورهای مکانی نواحی و
مبانی اقتصادی بازار کار تأثیر چندانی در
درآمدهای غیر زراعی زنان نداشته است. همچنین
«لنبرگر» نیز در مطالعات خویش در مناطق
روستایی به نتایج فوق دست یافته است. (2)

بر طبق جدول (5-12) که به مقایسه درآمد زنان و
مردان پرداخته است مشاهده می‌گردد که در برابر
156 مردی که یا از طریق کشاورزی و یا بطور
مستقیم درآمدی کسب می‌نمایند 49 زن به اشتغال
مزدی می‌پردازند. این در حالیست که درآمد زنان
و مردان اختلاف خاصی را نشان می‌دهد و به
عبارتی متوسط درآمد مردان 114/787/5 برابر بیش از

درآمد زنان گزارش شده است. بدین ترتیب نتایج حاصل از کار زنان در مزارع خانوادگی و یا به شکل کار یابوری نیز جزء درآمد مردان محاسبه گردیده است. لذا ملاحظه می‌گردد که سهم زنان در اشتغال کشاورزی بیش از 26 درصد بوده در حالیکه سهم آنان از درآمد خانوار تنها 9% برآورد شده است.

سایر متغیرهای مستقل مانند نرخ بیکاری، اشتغال مرد خانوار، سنتها و وجهه نظرها و ... به درآمد زنان مزرعه مرتبط است. نیروی کار زنان روستایی، تقاضاها و کارهای تحمیل شده بر آنها توسط خانواده هایشان، وسعت مسئولیتهای مزرعه و خصوصیات بازار کار زنان روستایی، تقاضاها و کارهای تحمیل شده بر آنها توسط خانواده هایشان، وسعت مسئولیتهای مزرعه و خصوصیات بازار کار، به عنوان نقشهایی مؤثر بر اشتغال خارج از

مزرعه زنان و درآمدها در نظر گرفته شده است نحوه درگیری زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی قویاً به درآمدهای غیرزراعی مردان و سطوح درآمد خانوار مرتبط است.

ارتباط بین سطوح درآمدی و حجم کار کشاورزی زنان از جدول شماره (1) قابل درک می باشد بطوریکه ملاحظه می گردد در خانوارهایی با درآمد پایین ترین زنان روزهای بیشتری کار می کنند. از سوی دیگر کار زنان روستایی خود سبب بالارفتن سطح درآمد خانوار گشته و از افت خانواده در زیر خط فقر جلوگیری می نماید. بدین ترتیب کمترین تعداد شاغلین زن در بین خانواده های با درآمد سرانه بسیار بالا دیده می شود. لذا یکی از محرک های قوی در جذب زنان در نیروی کار کشاورزی نیاز اقتصادی می باشد تا ارتقاء شخصیت و یا نیاز به فعالیتهای اجتماعی و ...

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که علیرغم اینکه افزایش درآمد خانوارهای به معنای ارتقاء رفاه و آسایش خانوارهای روستایی است، می‌تواند سبب خارج شدن زنان از نیروی کار اقتصادی و آزاد شدن اوقات آنان گردد. از اینرو ضمن تلاش جهت بالابردن سطوح درآمدی خانوارهای کشاورزی و حمایت از این اقشار، یافتن جایگزین‌های مناسب جهت استفاده بهینه از این وقت آزاد شده برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه در روستاها امری ضروری است. در این راستا، اچی‌مینگ در مطالعات خودش در رابطه با کشور غنا توصیه‌های زیر را جهت مشارکت فعال زنان ارائه می‌دهد: این توصیه‌ها عبارتند از:

- 1- تحصیل و آموزش در 1 - تأسیس مؤسسات مشارکتی 2-
- 3- سازماندهی مهارت‌ها 3- توسعه انسانی

وضع قوانین خدمات حمایتی مانند: الف) انگیزش
و آگاهی دادن ب) دسترسی به اعتبارات ج)
تکنولوژی ذخیره کننده زمان و نیروی کار د)
تبلیغات

پیشنهادات فوق در جهت شکل زنان حائز اهمیت می
باشد اما آنچه که در منطقه مورد مطالعاتی بیش
از هر چیزی مورد نیاز است ایجاد زمینه ها
اشتغال و تشکل در فعالیتهایی که بعضاً انگیزه
های اقتصادی نیز داشته باشد و همچنین آموزشهای
فنی - حرفه ای خصوصاً برای زنان نسل جوانتر که
در امور کشاورزی جذب نمی گردند می باشد. در
این رابطه سازمان فائو در پی شناخت و بررسی
عواملی است که باید توجه داشت که دسترسی زنان
به منابع درآمد به معنای دسترسی کل خانوار به
رفاه بیشتر است چرا که بررسیهای میدانی نشان
می دهد که تمامی زنان مزدبگیر درآمد خویش را

جهت رفاه خانواده خصوصاً فرزندان‌شان صرف می نمایند.

گاسون نیز در مطالعات خودش نشان داده است که جاییکه زنان يك فعاليت مستقل را در مزرعه و یا خانه مانند نگهداري از طیور و یا تولید سبزیجات معیشتي اداره می کنند، به نظر می رسد، آنها بیشتر قادر به کنترل درآمدهای حاصل از آن امور باشند.

همچنین شواهدی که وی ارائه می دهد حاکی از این است که زنان و مردان درآمدهایشان را در مورد مختلف صرف می نمایند. زنان تأکید بیشتری به تحصیل فرزندان خویش دارند، خصوصاً در مورد دختران اصرار بیشتری است که آنان به دور از اشتغالات زراعی به تحصیل پردازند.

بنابراین ایجاد صنایع درآمدی مستقل برای زنان نه تنها سبب بالانگه داشتن خانوار از خط فقر و

ارتقاء آسایش خانواده می گردد، بلکه اعتماد به نفس، شخصیت و موقعیت اجتماعی بالاتری را برای زنان فراهم خواهد ساخت.

1- Jean limpman "Gender Roles and Powe "Blumen prentice hall Inc.

Englewood cliffs, New Jersey. 1984, p.164.

2- Ann zibarth Dell enbarger "An analysis of industrial and occupational

stratification in rural labour market areas pHC thesis adviser: deseran,

forresst A. the louisiana state university and agricultural and mechanical

co. 1988.

3- Naana Agremeng - mensah, "Anexamination of the nature and extent of

rural womens partticipation In come - Generation progects in ghana "PHD

thesis michgan state university, date 1985 pp 188.

4- سازمان فائو، نقش زنان در کشاورزی ترجمه غ

، صالح نسب ، مجله چهار شماره 153 ، ص 62.

2-5- نقش و جایگاه تصمیم گیری و مدیریتی زنان

در امور تولیدی و خانوادگی:

در مطالعات مربوط به خانواده در مکانهای روستایی نیاز به چهارچوب تئوریک برای شرح نقشهای خانواده و تصمیم‌گیری در درون مزرعه خانوادگی - که عمده‌تاً می‌بایست تصمیماتی را اتخاذ نمایند که خانواده‌های غیرزارع با آن مواجه نیستند - به چشم می‌خورد چرا که واحد سرمایه‌گذاری تولیدات زراعی یک فعالیت خانوادگی است. تصمیمات خانواده‌های زارع منعکس‌کننده اندازه، ساختار و تأثیرات متقابل خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی است یک جنبه از این تصمیمات برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را برای ایجاد منابع اقتصادی جهت پشتیبانی اقتصادی از خانوار را شامل می‌گردد.

در خانوارهای معمولی، منابع اقتصادی توسط اقدامات فردی مزد بگیران مستقل که خانواده را برای مشارکت در یک بازار نیروی کار رقابتی ترک

می نمایند، تولید می گردد. در حالیکه در خانواده های کشاورز بخشی از استراتژی کلی برای خلق منابع اقتصادی ممکن است تأکید بر کسب درآمد از طریق سایر منابع اقتصادی، برای مثال فروش محصولات تولیدی کشاورزی که توسط اقدامات مهم پیوسته و فعالیتهای مشارکتی کلیه اعضاء خانواده که جهت ارتقاء واحد سرمایه گذاری مزرعه تلاش می کنند صورت گیرد. همچنین خانواده های زارع تصمیماتی در رابطه با تخصیص سرمایه اتخاذ می نمایند، که اختصاص منابع اقتصادی در بین نیازهای خانوار و نیازهای واحد سرمایه گذاری را شامل گردد برای مثال ترتیب دادن دام، اجاره یا فروش زمین، سرمایه گذاری در ابزار کشاورزی و ... علاوه بر این خانواده های کشاورز نیاز به اخذ تصمیمات عملی نیز دارند (مثلا کی و کجا به کشت و زرع و برداشت بپردازند، و کی و

کجا و با چه قیمتی محصولات کشاورزی را به فروش برسانند و چه میزانی از محصول را برای مصارف طول سال خانواده ذخیره نمایند (این امر بطور قاطع بر کارکرد روزانه واحد سرمایه گذاری مزرعه تأکید دارد. در خانواده زارع تقسیم کار به منظور ارتقاء منابع اقتصادی از طریق درآمد و تولیدات زراعی طراحی شده است فرآیندهای تصمیم گیری که در تقسیم کار مطلوب حاصل می گردد نه تنها امور متعلقه به ترکیب خانوار بلکه ساختار و مدیریت واحد سرمایه گذاری مزرعه را تحت پوشش دارد.

مطالعات در امور خانواده و این فرض استوار است که توانایی اخذ تصمیم در اکثر خانواده ها وجود دارد. (1)

بنابراین برخی از دیدگاههای برخاسته از مطالعات خانواده، تصمیم گیری را به عنوان يك

مقیاس اندازه گیری ارتباطات قدرتی و متدولوژی مناسبی برای مطالعه توزیع قدرت در خانواده می دانند. در این قالب مطالعات چندی به بررسی نحوه گسترش تصمیم گیری زنان و شوهران در خانه و یا در اشتغالات زراعی پرداخته اند. هر چند که تصمیم گیری ممکن است ارتباطی به قدرت در درون خانواده نداشته باشد. به هر حال با در نظر داشتن این پیش فرض که قدرت تصمیم گیری زنان از عوامل مؤثر دال بر چگونگی موقعیت آنان در خانواده و جامعه می باشد، پرسشی از نحوه مشارکت زنان در انواع تصمیم گیریها به عمل آمد و از آنجائیکه امکان مشاهده مستقیم نحوه تصمیم گیری در خانواده کشاورز برای پرسشگران وجود نداشت لذا می بایست به پاسخ های شفاهی افراد اعتماد نمود و این مطلب نه تنها در مورد اینکه

چه کسی باید تصمیم بگیرد، بلکه در این مورد که چه کسی واقعاً تصمیم گیرنده است نیز صادق است.

بر این اساس ابوت در 1976 مطالعاتی را در زمینه نحوه تصمیم گیری در خانواده کشاورز بر دو مبنای اینکه چه کسی باید تصمیم بگیرد و چه کسی واقعاً تصمیم گیرنده است بنا نهاد. نتایج این بررسی نشان می دهد که در حد بالایی از تصمیم گیریها (حداقل 74 درصد) ظاهراً مرد تصمیم گیرنده است ولی بطور عینی زنان نقش اساسی در اعمال این تصمیمات دارند. اما در مورد تصمیماتی که به فعالیتهای معیشتی (کشت محصولات خانگی و طیور) مربوط می شود، توازن و هماهنگی کمتری وجود دارد، بنحوی که در 50 درصد موارد مرد به تنهایی تصمیم گیرنده است و فقط $\frac{1}{3}$ پاسخها بیانگر این است که زنان مستقلاً تصمیم می گیرند، در صورتیکه بیشتر زنان تمایل دارند که

در فعالیتهای معیشتی خویش مستقلاً و به تنهایی تصمیم گیرنده باشند.

از طرف دیگر باید میان کسی که تصمیم می گیرد ، کسی که مسئول به انجام رساندن تصمیم است و کسی که تصمیم را در عمل انجام میدهد تفاوت قائل باشد. برای نمونه يك مالك ممكن است در هنگام برداشت تصمیم بگیرد در حالیکه همسر او موظف است کارگران را برای برداشت محصول انتخاب کند و خود بر چگونگی کارشان نظارت نماید.

بدین ترتیب نظر به تنوع تصمیماتی که غالباً توسط يك خانوار کشاورز ممکن است اتخاذ گردد، این تصمیم گیریها به سه دسته تقسیم گردید:

1- تنظیم و کنترل نهاده ها

2- سازماندهی تولید و بازاریابی ، که این دو مستقیماً به امور تولیدی خانوار مربوط می گردد.

3- مدیریت امور خانواده که تصمیم گیری در حیطه کارهای روزمره در درون خانواده را در بر می گیرد.

جدول 5-13- نحوه توزیع تصمیم گیری زنان و مردان را در هر يك از امور مذکور نشان می دهد. بر طبق جدول داده شده ملاحظه می گردد که گرچه زنان نقش بسزایی در سه گروه فعالیتهای یاد شده دارا می باشند لیکن مهم ترین تصمیم گیرنده مردان بودند و عمدتاً زنان نقش عمل کننده را بر عهده دارند از اینرو درجه تصمیم گیری زنان در حیطه امور تولیدی و خانواده متفاوت می باشد این رقم با تصمیمات مربوط به سازماندهی تولید و بازاریابی برای زنان قریب به 19 درصد و برای مردان 59/3 درصد می باشد این درحالیست که زنان بیشترین قدرت تصمیم گیری را در حوزه وظایف خانوادگی دارند در این حیطه 33/5 درصد تصمیمات

به عهده زنان و 43 درصد نیز بر عهده مردان می باشد.

علاوه بر استقلال مالی زنان میزان تحصیلات زن و شوهر هر دو اعطاء نقش مدیریتی به زن حائز اهمیت است. بطوریکه زن تحصیل کرده جهت مشارکت در فعالیتهای عمومی و اتخاذ تصمیم های مردم از آگاهی و قدرت بیشتری برخوردار می باشد. از سوی دیگر مرد با سواد و آگاه با شناخت از نقش همراهی همسر خویش برای وی شخصیت بالاتر قائل بوده، در نتیجه به رأی و نظر ایشان احترام بیشتری قایل خواهد شد. بر طبق بررسیهای موردی انجام شده از 131 خانوار نمونه ارتباط فاکتورهای مذکور به شرح زیر بوده است. جدول (14-5)

جدول (5-14)

انواع تصميمات متخذه			سطوح تحصيلي	جنس
مديريت امور خانواده	سازماندهي توليد و بازاريابي	تنظيم و كنترل نهاده ها		
70	53	47	بيسواد	
43	38	31	دبستان	
98	7	7	راهنمايي	
5	2	3	نظري و ديپلم	زن
0	0	0	فوق ديپلم	
0	0	0	ليسانس	
127	101	88	جمع	
45	45	45	بيسواد	
43	43	43	دبستان	
26	26	26	راهنمايي	

13	13	13	نظري و ديپلم	مرد
2	2	2	فوق ديپلم	
1	1	1	ليسانس	
130	130	130	جمع	

مطالعه توزيع انواع تصميم گيريها در ارتباط با سطوح تحصيلي به دليل نامتوازن بودن تعداد زنان و مرد و زن در سطوح تحصيلي مختلف قادر به تقسيم دقيق تأثير سواد بر نحوه تصميم گيري هر يك از جنسيتها نمي باشد. ليكن با اين وجود تا حدودي بيانگر مشاركت بيشتر زنان بيسواد و كم سواد در امور توليدي كشاورزي است، چرا كه اين زنان درگيري بيشتري در فعاليتهاي كشاورزي دارند و بالطبع نسبت به ساير زنان دخالت كمترى در اين امور دارند در تصميم گيريهاي مربوطه نيز مشاركت كمترى داشته اند. اين درحاليست كه

مردان در سطوح متفاوت تحصیلی مشارکت یکسانی را در تصمیم‌گیری‌ها نشان داده‌اند. در نهایت قابل ذکر است که نیازهای اساسی افراد به عنوان غذا، لباس، سرپناه، آب آشامیدنی سالم و بهداشت و تحصیل تعریف شده است. زدودن و کاستن از کارهای تحمیل شده مفرط نیز توسط برخی نویسندگان به موارد فوق اضافه شده است. نظر بر این است که غذا، لباس، و تحصیل نیز می‌بایست توسط جامعه فراهم گردد. از دیگر موارد می‌توان به نیاز مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های جامعه و قدرت تصمیم‌گیری در درون خانواده ذکر نمود که می‌بایست از طریق تأثیرات متقابل مشارکت به عنوان عامل اصلی استراتژی‌های اساسی به تدریج آموزش داده شود.

به دلیل اشراف بر تمام مسایل نیازهای اساسی غیر مادی قدرت و تصمیم‌گیری در مورد زنان حتی

نسبت ب مردان مهمتر مي باشد، هنوز موقعيت شخصي و اجتماعي زنان توسط ساخت و عملکرد طرحهاي متمرکز کشاورزي و برنامه هاي فقرزدائي تهديد مي گردد که اين امر خودبخود بر قدرت تصميم گيري آنان مؤثر است.

بنابراين مطالعه وضعيت زنان بطور مجزا از ساير مقولات اقتصادي کلان و نگرش به آنان به طور منفصل و سواي از شرايط حاکم بر جوامع روستايي محقق را به بيراهه مي کشاند، لذا مطالعات زنان در توسعه روستايي مي بایست به طور یکپارچه و ممکن با ساير مسایل روستا صورت گرفته و طرحها و برنامه هاي جامع روستايي بگونه اي طرح ريزي گردد که زنان جایگاه خاصي در آن بيابند.

1- Wakening E.A Farm families and family living' in R.T Coward and west

view press.

B.J. sawer pradictors of the farm wife s involvement in general
management and adoption clocisions "rural sociology 38 (4) 412-25.

3- نقش زنان روستایی تالش در حمایت و

حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست:

کل جامعه بشری وظیفه دارند محیط زیست خود را بشناسند و در حفاظت آن صمیمانه بکوشند. خصوصاً زنان که نیمی از این جامعه بوده و پرورش دهنده نیم دیگری نیز هستند نقش مؤثرتری در این امر مهم دارند.

انسان از دو طریق تعادل طبیعت را به هم می زند. (1)

الف : افزایش بی رویه جمعیت

ب : بهره گیری نادرست از دانش جدید

همانطور که گفته شد نوع وظایف زنان روستایی ارتباط غیرقابل آنان با منابع طبیعی و محیط زیست را به خوبی آشکار می سازد. زنان روستایی برای پخت و پز به هیزم نیاز دارند و برای حفظ جان دامشان به علوفه مرتعی، در اینجا صحبت بر

سر حیاتی ترین مسأله زندگی روستانشینان است. اگر حفظ جنگل و مرتب‌بع اهمیت ملی و حتی جهانی دارد، که مسلماً دارد پس باید برای تأمین نیازهای اساسی این زحمتکش‌ان محروم فکری کرد. زن روستایی فقیر که فرزند و دام گرسنه خود را پیش رو دارد نمی‌تواند نگران حفره بوجود آمده در لایه اوزون باشد، حتی اگر با اقدامات آگاهی‌دهنده، روستائیان و عشایر به اهمیت موضوع واقف شوند، بازهم آنان حق دارند که در صد رفع نیازهای بسیار ابتدایی خود باشند. اقدامات انسان بر روی همه عوامل زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارد. می‌دانیم که آب یکی از این عوامل و مایه حیات همه جانوران است و بدون آب زندگی ممکن نیست. آب هم چنین نقش اساسی در فعالیتهای کشاورزی و صنعتی دارد.

با تمام اهميتي كه آب در كليۀ فعاليتهاي حياتي دارد، انسان بيش از همه موجودات زنده در آلودگي و هدر دادن آن تأثير دارد. در اينجا نقش مهم زنان روستايي تالش در حفظ اين مایة حيات و همچنين آموزش اين امر به نسل هاي آينده روستا اهميت پيدا مي كند براي اين منظور زنان در مناطق روستايي بهتر است توجه كنند كه :

- از روش هاي صحيح آبياري استفاده شود.
- از كودها و سموم شيميايي كمتر استفاده شود؛ چون اين مواد اصلي ترين آلاينده هاي آب هستند.
- از شستن وسايل سمپاشي در آب هاي جاري و مورد مصرف خودداري شود.
- از ريختن زباله، قوطي هاي سموم، حشره كش ها، كيسه هاي پلاستيكي و غيره در مناطق آبي جلوگيري شود.

- در مصارف روزانه از آب عاقلانه و منصفانه عمل
شود.

- به فرزندان ارزش و قدر و نعمت آب شناسانده
شود.

آب آلوده رودها عامل مهمی در شیوع بیماریهای
نظیر حصبه، شبه حصبه، زردی، اسهال، عفونتهای
کبدی، کم خونی و بیماریهای انگلی است. یکی از
عوامل آلودگی آب رودها شستشوی لباسها و ظرفها
و وسایل مختلف در رودهاست. عدم دسترسی به
وسایل لازم زندگی و رعایت بهداشت اولیه در
روستاهای دورافتاده منطقه مورد مطالعه زنان
روستایی تالش را نادانسته به آلوده کردن محیط
زیست وارد می سازد، شستن زیرانداز و پوشاک و
ظرف در آب رودها که با استفاده از صابون و
مواد شیمیایی دیگر همراه است موجبات ضررها و

زیانهای بسیاری را برای سلامت محیط زیست فراهم می نماید.

عکسها مناظری از آلوده کردن محیط زیست را توسط زنان روستایی نشان می دهند، اما در عین حال دیگری را نیز باز گو می کنند، این واقعیت که زیست زنان روستایی شهرستان با چه مشکلات دردناکی همراه است.

اما در رابطه با نقش زنان در کاربرد و صرفه جویی در مصرف انرژی باید گفت که کسی به درستی نمی داند که منابع سوخت ما تا چه مدت دوام خواهند داشت ، اما محققان یقین دارند که غیر از چوب ، دیگر سوختها به کندی تولید می شوند. به این ترتیب با افزایش جمعیت و مصرف سوخت بیشتر، ذخایر سوختی رو به نقصان خواهند گذاشت. از چندین سال پیش، به تدریج مواد گاز طبیعی و نفتی جایگزین سوختهای قبلی شده است چون از

میزان موجودی ذخایر سوختی نظیر ذغال سنگ ، نفت و گازهای طبیعی اطلاع دقیقی در دست نیست باید در مصرف آنها احتیاط لازم را به عمل آورده و از به هدر رفتن آنها کاست. به عبارت دیگر باید راه حفاظت سوخت هایی را که به آنها نیاز است دانست. بهترین سوختی که در برخی جوامع روستایی کشورها استفاده می شود بیوگاز است. ترکیب اصلی این گاز متان است و در محل انباشت مواد زائد آلی همچون کود حیوانی و ساقه و برگ و مواد زائد گیاهی که دور از هوا پوسیده و یا تخمیر می شوند بوجود می آید.

بنابراین زنان روستایی تالش خصوصاً روستاهای کوهستانی می توانند با فراگیری این روش نقش ارزنده ای را در صرفه جویی انرژیهای هسته ای داشته باشند.

بنابراین صرفه جویی در انرژی از واحد خانوار شروع می شود و آموزش آن توسط مادر خانواده می تواند نقش اساسی و مهمی را در رفتار خانوار بازی کند.

همچنین زنان روستایی منطقه می توانند نقش مهمی را در زمینه حفظ درختان و جنگل ها داشته باشند و به سایر افراد این آگاهی ها را بدهند که به شرح زیر می باشد:

- به افراد خانواده توصیه کنند برای مصارف سوختی فقط از شاخه ها و درختان خشک شده و مرده استفاده کنند،

- به فرزندان خود مزایای درخت و احترام به آن را به عنوان یک موهبت الهی بیاموزند.

- حتی الامکان در محیط زندگی خود اقدام به کاشت درختان مناسب منطقه کنند.

- به جاي هر درخت خشكي كه بريده مي شود يك درخت بکارند.

با توجه به نوع معيشت غالب در منطقه كه كشاورزي مي باشد استفاده از سموم شيميايي غير قابل اجتناب است و مسايلى را پيش مي آورد.

حفاظت از محصولات كشاورزي از قديم الايام يكي از نگراني هاي كشاورزان بوده است. يكي از راههاي حفظ محصولات استفاده از سموم شيميايي براي دفع آفات ، حشرات و جانوران موذي است، در ابتدا شناسايي سموم و اثرهاي فوري آنها بر آفات، انسان فكر مي كرد كه به اين دشمن بزرگ پيروز شده است اما به تدريج نتايج خطرناك سموم شناخته شد و انسان فهميد كه به دست خود چه خسارتهاي شديدي به محيط زيست خود وارد کرده است.

زنان و کودکان روستایی در فعالیتهای مختلف کشاورزی مشارکت فعال دارند و با مصرف سموم شیمیایی همواره در معرض خطرات و صدمات حاصل از آن قرار می‌گیرند.

زنان به عنوان کسانی که بیشتر در معرض خطر هستند و عوارض ناشی از سم را به هنگام بارداری و شیردهی به فرزندان خود منتقل می‌کنند می‌توانند با شناخت این مواد و عوارض آنها نقش مهمی را در استفاده صحیح و کاهش مصرف آنها داشته باشند.

همچنین زنان می‌توانند با آگاهی به مقدار مورد نیاز و اصول استفاده از سموم، شیوه نگهداری آنها، اصول بهداشتی در هنگام مصرف بعد از آن، چگونگی استفاده از محصولات بعد از سمپاشی، در کاهش خطرهای سموم کشاورزی و کاهش آلودگی محیط زیست مؤثر باشند.

در این زمینه چند توصیه به زنان شده است:

- با مبارزه بیولوژیک و استفاده از حشرات شکارگر آشنا شوند و آنرا به کشاورزان دیگر توصیه کنند.

- سموم باید همیشه دور از دسترس اطفال در محل یا قفسه ای که درب آن بسته نگهداری شود.

- سم را به مقدار لازم و توصیه شده مصرف نمایند تصور نشود که میزان زیادتر سم تأثیر بیشتری روی آفت دارد.

- سم را در سمپاش به حدی بریزید که سرریز نشده و محیط اطراف را آلوده نکند.

- از ریختن سم اضافی و یا مواد آلوده به سم در رودخانه ها و جریانهای آبی اکیداً خودداری شود.

1- معروفی . یرومین، دانش امروز زنان روستایی.

نشر آموزش کشاورزی، دفتر ترویج فعالیتهای زنان

فصل سوم

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مقدمه :

در بیان مفاهیم توسعه، ملاحظه شد که همواره در توسعه، تحول می‌یابد جزء ذاتی باشد و همانطوریکه تحول جنبه مادی و فیزیکی را دربرمی‌گیرد جنبه معنوی و انسانی را نیز دارد. لذا هدفهای مشخص اصلی برنامه‌های توسعه می‌یابد محور قرار دادن ابعاد انسانی بشر و ارتقاء کیفیت این جنبه‌ها باشد. بنابراین توجه به جنس مونث نه به عنوان نیمی از نیروی کار بلکه به عنوان نیمی از جمعیت و انسانهایی که مستحق توجه بیشتر می‌باشند می‌بایست مد نظر برنامه‌های توسعه باشد.

در این راستا؟ زن و توسعه از دهه‌های بعد از 1960 وارد ادبیات توسعه گردید و در انی میان بخشی از این رسالت بر دوش جغرافیای انسانی که قطب مهم و کار آمد مطالعات انرا - انسان تشکیل می‌دهد قرار گرفت.

مساله اساسی که در ابتدای تحقیق مد نظر بوده است تأکید براین نکته داشته که زنان دارای نقش چندگانه‌ای در خانواده و جامعه می‌باشند، لیکن نقش تولیدی زنان روستایی بصورتی پنهان به انجام رسید دکترا تجلی اقتصادی و حتی اجتماعی یافته است. همچون از آنجائیکه بنیان اقتصادی

قریب به اتفاق روستاهای کشور، کشاورزی و فعالیت‌های وابسته بدان می‌باشد، بهره‌گیری از نیروی کار زنان عمدتاً در امور حاشیه‌ای، پرزحمت و بعضاً طاقت فرساست. اما در عین حال کار زنان نقشی اساسی در ممانعت از سقوط خانوار روستایی در فقر مطلق دارد.

اصولاً امر اشتغال در جامعه روستایی بسیار پیچیده است و وضوح و روشنی که در اکثر بخش‌های شهری یافت می‌گردد در آنجا دیده نمی‌شود. این وضعیت در رابطه با زنان روستایی از شدن بیشتری برخوردار است خصوصاً این امر زمانی روشن می‌گردد که توجه داشته باشیم فعالیت زنان روستایی بیش از مردان تحت تأثیر شرایط و عوامل گوناگون اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و اکولوژیکی است علاوه بر این در خلال پژوهش روشن شد که کار کشاورزی از نظر زن روستایی منطقه تالش دارای پایین‌ترین ارزش و منزلت بوده و عمدتاً به جهت الزامات اقتصادی بدان پرداخته‌اند و به محض بر طرف شدن نیازهای اقتصادی خانواده از نیروی کار کشاورزی خارج می‌شده‌اند از سوی دیگر زنان مورد نظر عمدتاً ترجیح می‌دادند که در زمین مزروعی خانواده کار می‌کنند و تنها تعداد کمی کار مزدی را مرجع می‌دانستند. این امر بیانگر وجود

زمينه هاي گرايش به خود اشتغالي براي زنان
روستايي مي باشد.

پیشنهادات:

آموزش زنان = آموزش جامعه

با توجه به بررسی‌های انجام شده نکات زیر برای بهبود وضعیت موجود منطقه پیشنهاد می‌گردد:

- بیمه و تأمین آینده زنان روستایی؛ به رغم فعالیتهای کشاورزی زنان، آنان همواره به عنوان خانه‌دار شناخته می‌شوند و از مزایای بیمه بازنشستگی، بیمه درمان و غیر محرومند.

- تأمین اعتبار و نهاده‌های کشاورزی؛ به علت مالکیت محدود زنان روستایی در خصوص زمین، امکان دسترسی به اعتبارات و نهاده‌ها برای زنان مشکل است.

- تدوین قوانین حمایت از حقوق زنان روستایی؛ هرگونه برنامه‌ای برای دفاع از حقوق زنان روستایی باید مبتنی بر پشتیبانی قانونی باشد. لازم است در صورت لزوم قوانین مربوط به این امر تصویب شود.

- ایجاد اشتغال مناسب برای زنان کشاورز؛ از آنجا که تنوع شغلی در روستاها کم است و درآمد حاصل از آن نیز اندک است، ضرورت دارد که صنایع دستی و صنایع غذایی در روستاها جهت اشتغال زایی ایجاد گسترش داده شود.

- توزیع عادلانه امکانات؛ موقیدعت زنان به گونه‌ای است که هر نوع امکانات اعطائی به روستاها بیشتر نصیب مردان می‌شود تا زنان. ضروری است که با اندیشیدن تمهیداتی نسبت به تبعیض اقدام شود.

- توانا سازی زنان روستایی برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود معاش و وضعیت خانواده و محیط پیرامونشان و تقویت صدای آنان در سطح ملی و محلی.

فناوری اطلاعات و ارتباطات اعم از جدید و سنتی می‌تواند زنان کشاورز را در امور مدیریت مزرعه از هزگام تصمیم‌گیری برای کاشت محصولات تابرداشت، عرضه و بازاریابی محصولات هدایت و راهنمای کند.

بر این اساس دختران در زنان روستایی با توجه با توجه به نقش‌های جنسیتی خود نظیر عامل تولید، مدیر منزل، تصمیم‌گیر و تصمیم ساز و عضو مؤثر در پیکره اجتماع به اطلاعاتی درباره اعتبارات، نهاده های کشاورزی، فنون و عملیات کشاورزی، بهداشت و محیط زیست نیاز دارند.

- تلاش برای تقسیم منصفانه وظایف خانگی بین اعضای خانواده‌های روستایی.

– ارتقای فرهنگ و آگاهی های عمومی جامعه روستایی، در زمینه نیاز و مسائل زنان و تأکید بر اصلاح باورهای نادرست.

– سواد آموزی زنان به عنوان اهرمی قوی برای رشد معیارهای زندگی و گسترش مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و ... محسوب می شود.

– تلاش در تغییر و اصلاح آمارنامه ها و تعریف شغل و معیارهای تمیز شغل خانگی و مشاغل بیرونی و وارد کردن زنان روستایی و اشتغالات آنها در عرصه شغل.

بها دادن بیش از پیش به کار آنها.

❖ خط مشی ها و استراتژیهای زیر برای حفاظت محیط زیست پیشنهاد می گردد.

– افزایش نرخ با سواد از طریق اجرای برنامه های سواد آموزی.

– اقدام عاجل در مورد تأمین امکانات آموزشی برای زنان به خصوص آموزشهای زیست محیطی، بهداشتی، کشاورزی و آموزشهای پایه و تلاش در جهت رفع تبعیض موجود همان زنان و مردان در زمینه برخورداری از امکانات آموزشی.

– تأمین نیازهای اولیه و ابتدایی زنان روستایی برای رفع نیازهای اولیه آنها به منظور جلوگیری از انهدام منابع طبیعی.

– شناسائی موشهای نسبی به کار گرفته شده به وسیله زنان روستایی در حفظ مراتع و کاربرد آنها به روشهای نوین.

– ایجاد و توسعه تعاونی‌های زنان روستایی به منظور افزایش درآمد زنان و کسب آگاهی‌های بیشتر در نتیجه کمک به حفظ محیط زیست.

پیوستها:

نقش سازمانهای غیر دولتی NGO و مشارکت زنان در پروژه‌های توسعه:¹

با تأکید پیشبرد توسعه، در اواخر 1960 بسیاری از مؤسسات رفاهی و سازمانهای داوطلب فعالیت‌های خود را در کشورهای در حال توسعه گسترش دادند و غالباً بخشها یا سازمانهایی را شبیه به گروهها و سازمانهای مادر در کشورهای توسعه یافته بود آوردند.²

به دنبال آن در آغاز 1970 همانطور که بیان گردید تصور اینکه انتقال تکنولوژی و سرمایه از کشورهای توسعه یافته به سمت کشورهای در حال توسعه باعث رشد برابر خواهد شد مودر

¹-Viswanath, Vanita "Non-Government organization and women's development : models from rural south India: the university of Texas at Austin, Degreee: PHC, adrisen: har dgrave. Robert l. 1988

²-Buvinc, Marya , "Projects for women in the third word ,Explaining their misbehavior" world development vol.14 No,5. 1986

انتقاد قرار گرفت و استراتژی‌هایی با تأکید بر اضمحلال فقر و دستیابی به برابری ظاهر شد. در همین زمان پروژه‌ها به داده‌هایی دست یافتند که مستقیماً فقرا را مورد حمایت قرار گرفتند و به موازات آن سازمان‌های آسایش و رفاه اجتماعی شروع به انتقال خود به آژانس‌های توسعه نمودند. در طی این دوره قابلیت دسترسی به سرمایه‌ها سبب بوجود آمدن سازمان‌های غیر دولتی (NGO)³ جدید شد. موضوعات کلی آنها در رابطه با اینکه تفویض اقتصادی و سایر خدمات را برای فقرا تهیه نمایند - شبیه به مؤسسات رفاهی قبلی بوده است برای مثال برخی از آنها غدار سون‌های مشارکتی را برای تهیه اعتبار خدمات کشاورزی، بازاریابی و سایر خدمات را سازمان دادند و برخی دیگر همچنان به گسترش و توسعه تجارتهای کوچک اهتمام ورزیدند.⁴

بدنی ترتیب یکی از امیدوار کننده‌ترین نتایج دهه زنان سازمان ملل ظهور سازمان‌های غیر دولتی زنان اهداف از بین بردن فقر و اعطاء برابری در کشورهای جهان شوم بوده است. چنین

³ - Non Gorermental organizations.

⁴ - Sally w. Yudelman , Idib 1987. Pp -179 – 180

سازمان‌هایی همچون يك نفس حياتي در آموزش زنان به عنوان میزان و رهبران آینده بازی می‌کنند.⁵

در مورد اینکه سازمان‌های غیر دولتی (NGOS) برای مشارکت زنان در پروژه‌ها و برنامه‌هایشان چه کاری می‌کنند و همچنین آنها چگونه زنان را هم به عنوان کارگزاران حرفه‌ای و هم به عنوان نفع‌برندگان از خدمات ایجاد شده مشارکت می‌دهند نوشته‌های بسیار اندکی وجود دارد. مطالعات انجام شده توسط محققان این واقعیت را آشکار می‌کند که شرایط زندگی زنان فقیر تأثیراتی بر برنامه‌های دولتی و مؤسسات اعطاء کننده داشته و تأثیرات زیادی نیز بر زنان طرفدار عمل و شاغل در کشورهای جهان سوم برجای می‌گذارد.

این واقعیتی است که با گذشت بیش از دو دهه از دهه زنان سازمان ملل در بسیاری از دولتها وزارتخانه‌ها مربوط به زنان ایجاد کرده‌اند که از این طریق پست‌هایی را برای زنان در میان سایر وزارتخانه‌ها ایجاد نمایند، هر چند که

5-Viswanath,Vanit . "Non –Government organization and womens development : models form rural sotlth India , the univer sity of tezas at Austin.degree,PH.D adviser :Hardgrav,Robert I.1988.

این مکانیزمها بطور کلی در ارتباط با نیازهای خاص زنان در سیاستهای بخشی و در سطح کلان مؤثر نبوده است. در انی اقدام موازی سازمانهای غیر دولتی (NGO) که مجموعه ای از واحدهایی است که توسعه زنان را دنبال میکند، فعالیتهای مداوم توسعه را تقویت نمود لذا باید در نظر داشت که برنامه های NGO بطور معمول بر اساس خط سیر پروژه ای که بر مکانهای خاص و یا گروه های ویژه نفع برنده بیش از سیاستهای ملی و یا منطقه ای تأکید دارد انجام می شود. از آنجائیکه نه دولتها و نه آژانسهای اعطاء کننده مشتاق سرف سرمایه های اساسی نمی باشند، پروژه های اقتصادی زنان غالباً به اقدامات متنوع و کوچک که معمولاً به صورت کار داوطلبانه صورت می گیرد بیش از آنکه در قالب برنامه های مؤثر توسط متخصصانی که کمک های تکنیکی کارآمد آموزش و دسترسی به اعتبار را قادرند تهیه نمایند محدود می گردد. لذا بطور کلی پروژه های زنان سازمانهای غیر دولتی کوچک بوده اغلب نسبت به کل برنامه های حاشیه ای می باشند. پروژه های درآمدزا، درآمد اندکی را تولید کرده و در بالا بردن مهارتهای سازمانیابی و مدیریت زنان دچار شکست شده اند، لذا زنان به ندرت کمکهای تکنیکی و یا

اعتباري براي گسترش فعاليتهاي كشاورزي خود دريافت مي‌كنند، همچنين غالباً پروژه هاي زنان فعاليتهاي جديدي را مطرح مي‌سازند كه باعث افزايش كارهاي سنگيني مي‌گردد كه اكثر زنان فقير بطور روزانه آنها را انجام مي‌دهند و چه بسا ممكن است اينگونه فعاليتها با زندگي روزمره آنان نيز نامربوط باشد. بدین دلیل، این برنامه‌ها هر چند جدید باشند اما بطور كلي ممكن است در جذب نظرات جدي برنامه ريزان دولتي دچار شكست شوند.

بدین ترتیب سازمانهاي زنان، حداقل آنهايي كه جهتگيري فقر و برا بري دارند بر نقش اقتصادي زنان تأكيد بيشتري دارند، غالباً داراي يك استراتژي واحد مي‌باشند، چرا كه آنها اين واقعيت را كه زنان فقير فاقد دستري لازم به زمين، اعتبار و آموزش مي‌باشند را بخوبي درك کرده‌اند.

آنها همچنين مهارت‌هاي رهبري و سازمان يابي را در ميان زنان تقويت کرده و آنها را قادر مي‌سازند كه در اين مهارتها با مردان برابر شوند. اصولاً سازمانهاي زنان كه ابتدا كار خود را به عنوان اتحادييه‌هاي خيريه در سطوح بالايي و مياني آغاز کرده‌اند مي‌روند تا اشتباه NGO ها را تکرار کرده و در پروژه‌هايشان ترو نسبي

از زنان را به عنوان مادر و همسر منعکس نمایند.⁶

زنان که در فعالیتهای تبعیضآمیز جنسی از میدان خراج شده اند، غالباً توسط مؤسسات خیریه و داوطلبانه جذب می‌کردند که در واقع این مؤسسات عرضه کننده فعالیتهای نسبی می‌باشند که قادر به آموزش آنها هستند. لذا پروژه‌های درآمدزایی آنها بطور اخص به فعالیتهای حاشیه‌ای، با سود کم و مصرفی منجر می‌شود چرا که اساس این فعالیتهای بر مهارتهای بنیادین داده شده که افراد داوطلب توانایی آموزش آنها را دارند نه بر امکان فروش محصولات در بازار از سوی دیگر این پروژه‌ها دارای اثرات بخشی اندکی است و تنها برای عده قلیلی از زنان قابل دسترسی می‌باشد.

بنابراین بکارگیری یک چهارچوب بخشی برای تجزیه و تحلیل کار زنان ممکن است راهی را جهت پرکردن این خلاء میان نقش اقتصادی که در حال حاضر نسبتاً شناخته شده است و برنامه‌های اقتصادی کلان که همچنان بر پایه نظر مردان توسط دولتها انجام می‌شود باز نماید.

⁶-Yadelman sally w.the integration of women in to development Projects : Observations on the NGO Experience in genral and in latin america in particalar. In:world develop ment vol. 18. Supplemnt PP.179-187,1987.

ب‌طور خلاصه در جایی که دولتها مشتاق و یا قادر به تهیه خدمات مورد نیاز نمی‌باشند سازمانهای خصوصی NGO تلاش می‌کنند تا نیازهای اساسی جامعه و نیازهای اقتصادی را رفع کنند. در این میان سازمانهای غیر دولتی زنان نیز به دلیل عدم رغبت دولتها در سرمایه گذاری در امور خاص زنان در کشورهای جهان سوم⁷ گسترش یافتند تا بدین ترتیب با انسجام زنان در اتحادیه‌های خاص مسایل مبتلا به آنان را مورد بررسی قرار داده و با طراحی پروژه‌های خاص اثرات منفی طرحهای توسعه را بر زنان کاهش داده و کیفیت زندگی و اشتغال آنان را بهبود بخشند.

این عدم رغبت از اینجا ناشی می‌شود که براساس نظر محققان سرمایه‌گذاریها جهت بهبود وضعیت زنان فقیر در جهان سوم الزاماً سبب کاهش میزان هزینه لازم جهت سرمایه‌گذاری در امور مربوط به مردان نمی‌گردد.

بالاخره در توجه به گزینه‌ها، فهم این که چگونه یک پروژه توسعه بخش ممکن است تأثیر منفی بر زنان داشته باشد ضروری است. برای

⁷- Buvinc,marya, " Projects for women in the thired orld , Eplaining their misbehavior " world development vd.14.No,5. 1986.

مثال معرفی تکنولوژی ها یا خدماتی که زنان را از درآمدی که قبلاً آنها بر آنها کنترل داشته اند محروم می سازد و یا ارائه طرحهایی که بر بار کاری روزانه زنان می افزاید از جمله این اثرات می تواند باشد. بنابراین (NGO) نیاز به درک بهتر تقسیم کار جنسیتی و فهم ارتباط متقابل میان فعالیت های خانگی و تولیدی و نقشی که زنان در مدیریت منابع طبیعی بازی می کنند دارد. این امر یک اقدام اساسی برای طراحی پروژه ها است.

سیاست ملی زنان روستایی جمهوری اسلامی

ایران:

ارائه تصویری از جایگاه کنونی زنان در توسعه روستایی و موقعیت فعلی آنها به لحاظ نقش آنها در فعالیت های اقتصادی و دیگر فعالیتها و در نهایت محدودیتها و پایداری لازم جهت ارتقای نقش زنان روستایی در فرآیند تحول روستایی و یافتن راهکارهایی جهت رفع موانع اشتغال زنان روستایی و پیداشگیری از نیروی آنان در توسعه از اهداف کلی؟ به شمار می آید.

در حال حاضر نکته مهمی که مورد نظر و پذیرش سازمان ملل می باشد و در آمار و ارقام جهانی

نیز مطرح است نقش مهم زنان روستایی در فعالیتهای روزمره و آینده روستاست و این در حالی است که متأسفانه با وجود نقش مهم آنان از لحاظ میزان بهره‌مندی از امکانات از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند طبق گزارش سازمان ملل با این که زنان (شهری و روستایی) در جامعه بشری 50 درصد از جمعیت را می‌پوشانند و در عمل $2/3$ از فعالیتهای روزمره را به عهده دارند لیکن فقط یک دهم از درآمد جهانی به آنها اختصاص دارد و از این در دناک‌تر این که کمتر از 1 درصد از دارایی جهانی به آنها اختصاص دارد. در سالهای پس از انقلاب جمهوری اسلامی در ایران با توجه به تأکید تعالیم مقدس اسلامی بر وضعیت جایگاه زن و نیز عنایت خاص مسؤلان کشور به این امر، توجه عاطفی و معنوی به کرامت زنان، از جمله زنان روستایی شده است براین اساس ضمن آنکه ارتقای منزلت اجتماعی و احقاق حقوق از دست رفته آنان سرعت بیشتری یافته است در مدت زمان کوتاهی بسیاری از تبعیضهای موجود در بین قشر زنان و مردان نیز رفع یا کمرنگ شده است. بویژه در دو برنامه پنج ساله اول و دوم. ضمن توجه خاص به اصلاح آماري در خصوص نقش زنان در

توسعه، پروژه های متعددی هم در این زمینه طراحی و اجرا غیر دولتی در بخش زنان بر این اساس است که جایگاه ویژه زنان روستایی در روند توسعه در مدت زمان کوتاهی مشخص شود به همین منظور اهداف و سیاستهای کلی زیر جهت هماهنگی و پیشبرد سریع فعالیتهای طراحی شده است.⁸

⁸-سلسله ملی زنان روستایی جمهوری اسلامی ایران عیناً از سند نقل شده است.

هدف 1:

حفظ کیان خانواده:

ناپایداری بنیان خانواده در بعضی از کشورها، نشانگر فقدان روابط و احوال صحیح تربیتی است. عملی نمودن اندیشه حفظ کیان خانواده با هدف تربیت اسلامی، یکی از مهمترین اقدامها جهت ایجاد کانونهای خانوادگی مطمئن در مسیر ایجاد آرامش برای آحاد ملت و تربیت نسلی سازنده میباشد. بر این اساس سیاستهای زیر در اجرای هدف مذکور تنظیم شده است.

سیاستها:

- 1- ایجاد تمهیدات قانونی جهت دفاع از حقوق همسری و مادری زنان در خانواده.
- 2- آگاهسازی جامعه نسبت به رسم و رسومهای سنتی مقایر با اسلام در خصوص زنان روستایی.
- 3- آگاهسازی جامعه جهت مسئولیت اصلی زن به عنوان همسر و مادر خانواده.
- 4- آشنا ساختن زنان و مردان نسبت به حقوق و وظایف خود در خانواده و جامعه.
- 5- آماده ساختن زمینه جلوگیری از خشونت و تعدی علیه زن روستایی.
- 6- فراهم آوردن زمینه مشارکت زنان در تصمیم گیریهای خانواده.

7- تلاش جهت تقسیم مضافه وظایف خانگی بین اعضای خانواده های روستایی.

8- حمایت از زنان روستایی بی سرپرست، سرپرست خانواده و بدسرپرست.

هدف 2:

کاهش فقر و تأمین عدالت اجتماعی:

به دلایلی بافت خاص موجود در روستاها، اکثر روستاییان جز قشر عظیم فقرای جهان محسوب می شوند. عدم استفاده اصولی از محیط زیست، منابع طبیعی کشاورزی سنتی و دلایل متعدد دیگر سبب فقر همه جانبه خصوصاً فقر فرهنگی و اجتماعی در روستاها شده است که متأسفانه قربانیان عمده آنان زنان هستند تلاش جهت کاهش برخی از شاخصهای فقر از جمله توزیع درآمد، بیگانگی شغلی و آموزشی، کمبود مشارکت، آسیب پذیری، عدم دسترسی به منابع تولید، عدم امنیت و کمبود داراییها، ضروری است و از سوی دیگر با وجود نقش اساسی و پر اهمیت زنان روستایی در تولید و افزایش درآمد خانواده و جامعه، با از بین بردن تبعیض در آموزش و اشتغال آنان می توان نقش مؤثری در توزیع و کنترل درآمد حاصله توسط خودشان و در نتیجه رفع و تأمین عدالت اجتماعی ایفاء نمود.

سیاستها :

- 1- تأکید بر شناسایی نقش‌های گسترده زنان روستایی در بخش کشاورزی و صنایع دستی و ایجاد راهکارهای مناسب جهت حضور آن در بخش‌های ذیربط.
- 2- ورود زنان به عرصه‌های فعالیت در کلیه بخش‌ها، بر اساس نقش‌های اقتصادی آنان.
- 3- ایجاد زمینه برای اشتغال مناسب با منزلت و ویژگی‌های زنان و توسعه الگوهای اشتغال بر درآمد خانگی.
- 4- ایجاد اشتغال و حمایت از زنان سرپرست خانوار، بی‌سرپرست و بدسرپرست.
- 5- دسترسی منصفانه به منابع تولید، اعتبارات و تسهیلات بانکی، فرصت، اطلاعات و بهره‌مندی عادلانه از منابع توسعه.
- 6- اصلاحات لازم مالی، نظارتی، مقرراتی جهت تأمین بهتر نیازهای اعتباری زنان روستایی.
- 7- تضمین پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر.
- 8- فراهم آوردن نیازهای اولیه زندگی چون امنیت غذایی، سرپناه مناسب، خدمات حمایتی، احداث تأسیسات خدماتی و...

9- بهبود استانداردهای زندگی خانواده‌های روستایی از طریق گسترش برنامه‌های ترویج خانه‌داری.

10- طراحی و به کارگیری فن‌آوری‌های مناسب برای فعالیتهای زنان روستایی جهت افزایش بهره‌وری و کاهش بار کاری آنان.

11- کمک به ایجاد مشکلهای اقتصادی با مدیریت زنان روستایی به منظور دستیابی زنان به درآمد ناشی از تولید.

هدف 3:

رشد سواد آموزی و گسترش تسهیلات

آموزشی:

طبق اصل 30 قانون اساسی سواد بدیهی‌ترین حقوق افراد جامعه بشر از جمله زنان روستایی است. گسترش سواد آموزی و ریشه‌کنی بی‌سوادی و ایجاد تمهیدات لازم جهت رسمی و غیر رسمی و ارتقای مهارت فنی از مهمترین اهداف سیاست کار برای زنان روستایی است.

سیاستها:

1- محو بی‌سوادی و فراهم آوردن امکان استفاده از فرصتهای بابر سوادآموزی و ادامه تحصیل زنان و دختران روستایی.

2- افزایش و گسترش تسهیلات آموزش رسمی و غیر رسمی زنان و دختران روستایی.

3- توسعه آموزشهای فنی - حرفه‌ای و ایجاد تمهیدات لازم جهت ورود دختران و زنان روستایی در محدوده‌های مورد نیاز.

4- تلاش جهت ایجاد و توسعه رشته‌های کاربردی و متناسب با نیازهای زنان و دختران روستایی در آموزش عالی.

5- تأکید بر تربیت آموزشگران خاص برنامه‌های آموزشی - ترویجی و توسعه روشهای آموزشی و متون یادگیری متناسب با شرایط زندگی روستایی.

6- اولویت بخشیدن به سواد آموزی دختران لازم‌التعلیم.

هدف 4:

تأمین نیازهای بهداشتی:

یکی از مهمترین ارکان توسعه در هر جامعه‌ای حفظ سلامت افراد و برآوردن حداقل نیازهای اولیه از طریق گسترش اصول بهداشتی در میان اقشار گوناگون می‌باشد. زنان روستایی به دلایل شرایط جسمانی خاص ساعات زیاد، استراحت کم، تنوع کاری در مشاغل سخت چون کشاورزی، دامداری و قالی

بافی در معرض صدمات فراوانی هستند به منظور تحقق این هدف سیاستهای زیر تنظیم شده است.

سیاستها:

1- ایجاد امکانات لازم برای کاهش مرگ و میر، بیماری، معلولیت زنان ناشی از حاملگی و زایمان.

2- ایجاد امکانات لازم جهت ازدواج دختران روستایی در سنین مناسب.

3- فراهم آوردن امکانات لازم جهت جلوگیری از بارداریهای پرخطر (مکرر. سنین زیر 18 سال و بالای 35 سال و بافاصله کمتر از 2 سال).

4- ایجاد امکانات لازم برای انجام زایمان ایمن، پیشگیری از بیماریها زنان و سرطانهای شایع.

5- فراهم آوردن امکانات ارتقای سلامت دختر بچه ها و زنان با اجرای برنامه های تغذیه مناسب و پیشگیری از بیماریها.

6- تضمین و ایجاد محیط کاری بهداشتی برای زنان.

7- عدم بکارگیری زنان و دختران در مشاغل سخت و زیان آور.

8- تأمین سلامت دختران نوجوان روستایی با آگاهی آنان و مادران از مسادل مربوط به بهداشت دوران بلوغ.

9- تأمین آب آشامیدنی سالم و بهسازی اساسی محیط زیست برای کلیه روستاهای کشور جهت ارتقای بهداشت زنان و خانواده‌ها.

10- جلب مشارکت مردان جامعه در اجرای فعالیتهای بهداشتی باروری.

هدف 5:

ارتقای منزلت زنان روستایی:

هدف از اجرای سیاستی زیر، ارتقای منزلت زنان ارزش زن به عنوان نیمی از جامعه اسلامی می‌باشد. سیاستها:

1- گسترش مطالعات و تحقیقات پیرامون نقشهای وزین زنان روستایی و تعیین جایگاه آنان در جامعه.

2- ارتقای آگاهیهای عمومی در خصوص شخصیت زنان و تأکید بر اصلاح باورهای نادرست نسبت به زن روستایی از طریق رسانه‌های گروهی.

3- ارتقای روحیه باروری زنان روستایی و ترغیب آنان به مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری.

4- فراهم آوردن زمینه مشارکت سیاسی و حضور زنان در عرصه‌های سیاستگذاری برای زنان روستایی.

5- زمینه تضمین شرکت فعال زنان روستایی در تصمیم‌گیریهای سیاسی - اجتماعی روستایی.

- 6- فراهم آوردن تهمیدات لازم جهت واگذاری کار زنان روستایی به خودشان.
- 7- حمایت از گسترش سازمانهای غیر دولتی زنان.

فهرست منابع مأخذ فارسي:

- 1- ازکيا، مصطفي « مقدمه اي بر جامعه شناس توسعه روستايي: تهران - انتشارات اطلاعات 1364.
- 2- امين زاده، فرخ، جمعيت شناسي کار، جلد دوم، انتشارات دانشگاه ملي ايران ايران - 1358.
- 3- انصاف پور غلامرضا حقوق و مقام زن از آغاز تا اسلام.
- 4- با زن، مارس، کريستيان برمبرژه، گيلان و آذربايجان شرقي.
- 5- با زن، مارسل، ترجمه دکتر مظفر امين فرشچيان، جلد اول، انتشارات قدس رضوي. 1379.
- 6- بديعي، ربيع، جغرافياي مفصل ايران، انتشارات اقبال، تهران 1372.
- 7- برداران، مسعود بررسي حبطه فعاليتهاي زنان روستايي و تعيين نيازهاي آموزش آنان در قالب ترويج خانه داري، پايان نامه کارشناسي ارشد دانشکده کشاورزي، دانشگاه تربيت مدرس، 1369.
- 8- برنامه و توسعه، سازمان برنامه و بودجه شماره «3» دوره دوم، 1371.
- 9- تاکتاک، سابرا، « اقتصاد توسعه » ترجمه دکتر زهرا افشاري، جهاد دانشگاهي 1379.
- 10- تودارو، مايکل، توسعه اقتصادي در جهان سوم، ترجمه غلامعلي فرهادي، جلد اول، وزارت برنامه و بودجه 1364.

- 11- جارالهي، فدرآ. تاريخچه اشتغال زنان در ايران، فصلنامه علوم اجتماعي، شماره 3 و 4 بهار 1372.
- 12- جولي، ريچارد « اشتغال در جهان سوم » مسائل و استراتژي، مترجم احمد خزاغي، انتشارات وزارت برنامه « بودجه » چاپ اول، تهران 1378.
- 13- جهاد سازندگي، جاىگاه نيروي انساني در اقتصاد كشاورزي ايران - معاونت طرح و برنامه دفتر مطالعات اقتصادي. 1379.
- 14- جهاد سازندگي، رهيافتهاي مشاركت در توسعه روستايي، سلسله انتشارات روشستا و توسعه: شماره 46 تاريخ. 1370.
- 15- جهاد روستا، نقش زنان در توسعه و احياي منابع طبيعي شماره 33 سال 1380.
- 16- خاني، فضيله « زنان در كانون توسعه جهان سوم » ارائه شده در دومين سمينار زن و توسعه، دانشگاه الزهرا (س) آذرماه. 1372.
- 17- خاني فضيله « جغرافياي جنسيت » نگرشي بر جاىگاه زن در جغرافيا، در نهمين كنگره جغرافيدانان ايران. تبريز 1373.
- 18- دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي و درماني استان گيلان، معاونت امور بهداشتي - شبكه بهداشت و درمان شهرستان تالش 1383.

- 19- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) نقش زنان در توسعه، انتشارت روشنگران، 1372.
- 20- رابینو ه. ل. ولایات دارالمرز ایران - گیلان - ترجمه جعفر خمایی زاده - انتشارات طاعتی. 1366.
- 21- راوندی، مرتضی « تاریخ اجتماعی ایران » جلد سوم، 1370.
- 22- رهنمایی، محمدتقی. توانهای محیطی ایران، انتشارات رودکی.
- 23- زنجانی زاده، هما. جنبش اجتماعی زنان، انتشارات روشنگران. 1372.
- 24- سنبله، نشریه اشتغال زنان روستایی ایران، شماره 107، 1378.
- 25- سازمان برنامه و بودجه، « برنامه و توسعه » شماره 3 دوره دوم. 1371.
- 26- سازمان برنامه و بودجه در کاربرد شاخصهای اجتماعی - اقتصادی در برنامه ریزی توسعه. مترجم - دکتر هرمز شهدادی، 1377.
- 27- سازمان برنامه و بودجه « زنان در کشورهای در حال توسعه، قربانیان نامرئی بحران اقتصادی » بی تا.
- 28- سازمان آب منطقه ای گیلان، سالنامه هواشناسی وزارت نیرو.

- 29- سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو)
نقش زنان در توسعه کشاورزی و جایگاه تصمیم‌گیری،
مجله جهاد، شماره 155 و 156، سال دوازدهم، مرداد و
شهریور 1371.
- 30- سازمان فائو « نقش زنان در توسعه کشاورزی »
ترجمه غلامحسین صالح نسب، مجله جهاد شماره 153.
1371.
- 31- سعیدی، عباس، نقش پنهان زنان در توسعه
روستایی، دومین سمینار زن و توسعه، دانشگاه
الزهرای (س)، 1372.
- 32- شکوری، چنگیز. سیری در کوچ نشینان تالش،
انتشارات آذر خزر. 1382.
- 33- طالش اندوست، فرشته. سیمای اقتصادی -
اجتماعی شهرستان تالش معاونت هماهنگی و
برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه. 1377.
- 34- اصلاح عربانی، ابراهیم، « طلیعه کتاب گیلان »
گروه پژوهشگران ایران - 1377.
- 35- عظیمی دو بخشی « روند شهرنشینی در گیلان »
پایان نامه فوق لیسانس، به راهنمایی دکتر شاپور
گودرزی نژاد، دانشگاه تهران.
- 36- گروه بررسی نقش زنان روستایی، وزارت
کشاورزی، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، 1380.
- 37- مرکز تحقیقات روستایی و اقتصادی کشاورزی
وزارت کشاورزی - نقش اجتماعی و اقتصادی.

- 38- مرکز آمار ایران. فرهنگ آبادیهای کشور -
استان گیلان - 1365.
- 39- مرکز آمار ایران. فرهنگ آبادیهای کشور -
استان گیلان. 1375.
- 40- مرکز آمار ایران. نتایج تفضیلی مشارکت زنان
در نیروی کار 1365-1375.
- 41- مرکز آمار ایران. آمارنامه استان گیلان، سال
1380.
- 42- مرکز آمار ایران. سرشماری نفوس و مسکن، سال
1365-1375.
- 43- مرکز آمار ایران. سالنامه آماری استان گیلان
سال 1381.
- 44- منوری، سید مسعود. تالاب انزلی. نشر
گیلکان. 1369.
- 45- مرادی، آزاده، مقاله اشتغالزایی زنان
روستایی در زمینه صنایع تبدیلی، هوس، نشریه
آموزشی ترویجی جهاد کشاورزی، ویژه مروجان زن
روستایی، شماره 42-43. 1383
- 46- مشیری، رحیم.
- 47- معروفی، پروین، دانش امروز زنان روستایی،
نشر آموزش کشاورزی، دفتر ترویج فعالیت‌های زنان
روستایی، جلد 2، 1378.

48- نادري، ابوالقاسم، «صنعت روستايي و توسعه
اقتصادي» در مجله زمينه، سال سوم، شماره 23،
خرداد 72.